

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هیدرونیماهای ایران

(پژوهشی در آب‌نام‌های ایران)

نویسنده: دکتر فیروز رفاهی‌علمداری



سازمان نقشه‌برداری کشور

مرکز تحقیقات نقشه‌برداری

کتاب یکم - تابستان ۱۳۸۴ رفاهی، فیروز، ۱۳۳۲-

هیدرونیم‌های ایران (پژوهشی در آب نام‌های ایران) / نویسنده فیروز رفاهی علمداری؛ برای سازمان نقشه‌برداری کشور مرکز تحقیقات نقشه‌برداری. -- تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۴.

۸۸ ص.: جدول.

ISBN:964-6922-33-3

پشت‌جلد به انگلیسی: Firuz Refahi Alamdari Hydronyms of IRAN.

فهرست‌نویسی براساس فیپا.

واژه‌نامه: ص. ۷۱-۸۲.

کتابنامه: ص. ۸۳-۸۵ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. آب‌نام‌شناسی -- ایران. ۲. نام‌های جغرافیایی -- ایران. ۳. فارسی -- ریشه‌شناسی. الف. سازمان نقشه‌برداری کشور. مرکز تحقیقات نقشه‌برداری. ب. عنوان.

۵۵۱/۴۸۰۹۵۵

GB۹۹۲/الف ۱۹۷

۲۰۴۷۰-۸۴م

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: هیدرونیم‌های ایران

نویسنده: فیروز رفاهی علمداری

ناشر: سازمان نقشه‌برداری کشور

صفحه‌آرایی: سیما فرزانه

ویراستار فنی: مه‌رمان مقصودی

ویراستار ادبی: حسین رستمی جلیلیان

طراح جلد و صفحه‌بند: مریم پناهی

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۸۴، ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۶۹۲۲-۲۹-۱۱-۳ ISBN: 964-6922-33-3

نشانی: تهران، م. آزادی، خ. معراج، سازمان نقشه‌برداری کشور، ص. پ. ۱۶۸۴-۱۳۱۸۵

پست الکترونیکی: www.ncc.org

مرکز پخش: امور مشتریان سازمان نقشه‌برداری کشور، تلفن: ۷-۳۱۰۰۰۰۳۱ (داخلی ۴۳۷)

EAN: 9789646922334

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

همه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و در انحصار ناشر است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	یادداشت نویسنده
۳	پیشگفتار
۷	علائم آوانویسی و توضیحات
۹	فصل اول: تعریف هیدرونیوم
۹	هیدرونیوم چیست؟
۱۵	فصل دوم: نگارش هیدرونیوم
۱۵	یکسان‌سازی و ثبت هیدرونیوم‌ها
۲۱	فصل سوم: دیرپایی هیدرونیوم
۲۱	هیدرونیوم‌ها در تاریخ
۲۵	فصل چهارم: تتبع هیدرونیوم
۲۵	روش گردآوری و بررسی هیدرونیوم‌ها
۲۷	گردآوری اسامی به صورت همزمان
۲۸	گردآوری اسامی به صورت درزمان

فصل پنجم: بافت‌شناسی هیدرونییم

- ۳۱ بافت ساختاری هیدرونییم‌ها
- ۳۳ آبنام‌های تک جزئی
- ۳۳ ریخت‌شناسی آبنام‌های تک جزئی
- ۳۴ آبنام‌های متشکل از اسم
- ۳۵ آبنام‌های متشکل از صفت
- ۳۵ آبنام‌های متشکل از اسم فعلی
- ۳۶ پسوندهای توپوفورم
- ۳۷ پیشوندهای توپوفورم
- ۳۷ آبنام‌های دوجزئی
- ۳۹ آبنام دوجزئی که یک جزء آن اصطلاح هیدروجغرافیایی است.
- ۴۱ آبنام دوجزئی که یک جزء آن اصطلاح جغرافیایی است.
- ۴۳ آبنام دوجزئی که هیچ‌یک از اجزاء آن اصطلاح هیدروجغرافیایی و جغرافیایی نیست.
- ۴۴ ریخت‌شناسی آبنام‌های دوجزئی
- ۴۴ آبنام دوجزئی مرکب از اسم + اسم
- ۴۵ آبنام دوجزئی مرکب از اسم + صفت
- ۴۶ آبنام دوجزئی مرکب از اسم + قید
- ۴۶ آبنام دوجزئی مرکب از صفت + اسم
- ۴۷ آبنام دوجزئی مرکب از قید + اسم
- ۴۷ آبنام دوجزئی مرکب از قید + صفت
- ۴۷ آبنام‌های چندجزئی
- ۴۸ آبنام چندجزئی که یا دوجزء آن اصطلاح جغرافیایی است
- ۴۹ آبنام چندجزئی که هیچ یک از اجزاء آن اصطلاح جغرافیایی نیست
- ۴۹ ریخت‌شناسی آبنام‌های چندجزئی

۵۱	فصل ششم: ترکیب هیدرونیوم
۵۱	عناصر لغوی تشکیل دهنده آبنام‌ها
۵۳	اتنوهیدرونیوم‌ها
۵۴	فیتوهیدرونیوم‌ها
۵۴	زووهیدرونیوم‌ها
۵۵	میتوهیدرونیوم‌ها
۵۵	کاسموهیدرونیوم‌ها
۵۵	آنتروپوهیدرونیوم‌ها
۵۵	مموهیدرونیوم‌ها
۵۶	پاتروهیدرونیوم‌ها
۵۶	اوروهیدرونیوم‌ها
۵۶	اویکوهیدرونیوم‌ها
۵۷	هیدروهیدرونیوم‌ها
۵۷	تئوهیدرونیوم‌ها
۵۷	اوموهیدرونیوم‌ها
۵۷	هیدرونیوم‌های عاریه
۵۸	هیدرونیوم‌های مجازی

۵۹	فصل هفتم: دیرینه‌شناسی هیدرونیوم
۵۹	ریشه‌شناسی هیدرونیوم‌ها
۶۰	آبنام‌هایی که معنی آنها برای ما روشن نیست
۶۱	آبنام‌هایی که کل مفهوم برای ما روشن است
۶۳	آبنام‌هایی که بخشی از معنای آن روشن است

۷۱	فصل هشتم: بیان هیدرونیوم
۷۱	زبان هیدرونیوم‌های ایران

- ۷۵ آبنام‌های یک جزئی متعلق به زبان‌های مختلف
- ۷۵ آبنام‌های دوجزئی که هر دو جزء آن از یک زبان سرچشمه می‌گیرند
- ۷۵ آبنام‌های دوجزئی که هر کدام از اجزای آن از یک زبان مستقل سرچشمه گرفته است.
- ۷۶ آبنام‌های چند جزئی که اجرای آن متعلق به یک زبان رایج معاصر یا منسوخ است.
- ۷۶ آبنام‌های چندجزئی که اجزای آن به زبان‌های مختلف است.
بسامد زبانی آبنام‌ها

فصل نهم: واژه‌ها

- ۷۹ واژه‌نامه توصیفی هیدرونیمی
- ۷۹

پیوست‌ها

- ۹۷ کتابنامه به زبان فارسی
- ۹۷ کتابنامه به زبان لاتین
- ۱۰۱ چکیده به زبان انگلیسی
- ۱۰۲

یادداشت نویسنده

کمیته «یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی» مستقر در سازمان نقشه‌برداری کشور بلافاصله پس از تشکیل، اقدام به ایجاد گروه‌های کاری نمود. این گروه‌ها موازی با گروه‌های موجود در کمیته یکسان‌سازی و نام‌گذاری اسامی جغرافیایی سازمان ملل متحد به فعالیت در زمینه مسائل ملی پرداختند. در کنار سایر فعالیت‌ها و وظایف اصلی کمیته «یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی»، چاپ و نشر کتب علمی و نظری مربوط به اسامی جغرافیایی ایران نیز در اولویت کار این کمیته قرار گرفت. در این راستا کتاب «مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران» تألیف و در دسترس کارشناسان و علاقه‌مندان قرار گرفت. اینک دومین کتاب از این سری مجموعه تحت‌عنوان «هیدرونیم‌های ایران» که به بررسی مسائل نظری و علمی آب‌نام‌های ایران پرداخته است، پیش‌روی شماست. در این کتاب‌ها که برای اولین بار در کشور طبع و نشر می‌شود، اسامی جغرافیایی به‌طور جامع و علمی از منظر زبان‌شناسی، جغرافیایی و تاریخی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرند. از آنجایی که تحقیقات در این زمینه جدید و نو است، مسائل نظری با تکیه بر منابع جاری مورد کنکاش قرار گرفته است. شاید نکاتی مورد توجه آگاهان و علاقه‌مندان باشد که در این بررسی‌ها مورد غفلت قرار گرفته باشد. بنابراین باعث امتنان خواهد بود که خوانندگان و علاقه‌مندان نظرات خود را پیرامون مسائل مطرح شده به هیأت علمی کمیته یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی اعلام نمایند تا در چاپ‌های بعدی مد نظر قرار گیرد.

هدف از نشر این‌گونه کارها فراهم نمودن بستر لازم برای انجام پژوهش و تحقیقات مفصل و دامنهدار در این زمینه است.

پیشگفتار

یکی از مسائل پیش روی تحقیقات جدید علم توپونیمی بررسی اسامی جغرافیایی ایران و یکسان نمودن روش ضبط و ثبت آنان است. بدین منظور در گام نخست، شناخت این اسامی و مسائل علمی مربوط به آن اهمیت دارد. در این راستا مولف در کتاب «مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران»^۱ در رابطه با مسائل نظری - علمی بررسی اسامی جغرافیایی، اطلاعات جامعی را در دسترس علاقمندان گذاشته است. اسامی جغرافیایی در علم توپونیمی در سه گروه متمایز مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. اسامی نقاط مسکونی یا جای نامها (Oykonyms)؛

۲. اسامی کوهها، دشتها، پستی و بلندیها (Oronyms)؛

۳. اسامی موردهای آبی یا آب‌نامها (Hydronyms).

بررسی جداگانه هر کدام از این دستجات مستلزم جمع‌آوری مواد لازم و تحلیل آنان است. اسامی هر سه گروه علاوه بر خصوصیات مخصوص به خود دارای وجوه مشترک بسیاری بوده و البته مسائل نظری و علمی زبان‌شناسی در هر سه گروه، واحد است. البته باید در نظر داشت که با توجه به خصوصیات هر زبان و مسائل فرازبانی، تفاوت‌هایی نیز در بررسی اسامی به چشم می‌خورد. بنابراین گردآوری و تحلیل اسامی

۱. رفاهی، فیروز، مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران، تهران، انتشارات سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۰.

مربوط به هر زبان یا مناطق مختلف جغرافیایی می‌تواند نتایج علمی و عملی بخصوصی را آشکار کند.

در این کتاب، اسامی موردهای آبی (آبنام‌ها) مورد پژوهش قرار گرفته است. تعداد این اسامی به بیش از چندین هزار می‌رسد. تنها اسامی رودخانه‌های ایران رقمی حدود ۲۳۰۰ عدد^۱ را شامل می‌گردد. دکتر ربیع بدیعی می‌نویسد:

«طبق آمار منتشره در سالنامه آماری سال ۱۳۵۶ تعداد چشمه‌های موجود در مناطق مطالعه شده حدود ۸۰۶۹ چشمه است»^۲.

همو، تعداد چاه‌های نیمه عمیق در مناطق مطالعه شده کشور را ۴۳۴۱۶، چاه‌های عمیق را ۱۶۹۴۰ و قنوت ایران را ۴۱۴۵۷ رشته می‌نویسد.^۳ تعداد قنوت با توجه به سابقه استفاده از آنها در آبیاری کشور بسیار بیشتر از سایر منابع آبی است. براساس گزارش‌های اعلام شده در «اولین سمینار قنوت ایران» در سال ۱۳۶۸ تعداد قنوت ۵۰۰۰۰ عدد است.^۴ این رقم تنها اسامی رسمی ثبت شده توسط منابع رسمی کشور را شامل می‌شود. همان‌طور که می‌دانید رودها، رودخانه‌ها، نهرها، کانال‌ها، قنوت و سایر منابع مشابه اغلب طویل بوده و از مناطق مختلف مسکونی عبور می‌نمایند؛ به همین جهت استفاده از اسامی محلی در بخش‌هایی از این‌گونه عوارض امری طبیعی به نظر می‌آید. از طرف دیگر، چشمه‌های جدید، پیوسته در حال شکل‌گیری هستند. حتی وجود اقوام مختلف در سواحل دریاها، دریاچه‌ها و رودها باعث می‌شود که نام‌های گوناگون بر آنها نهاده شود. لازم است در این مورد به مثالی بسنده نماییم، دریای واقع در شمال کشور ما به اسامی گوناگونی مانند دریای مازندران، دریای گیلان، دریای آبسکون، دریای خزر، دریای گرگان، بحر قزوین و ... نامیده شده است. برخی از این اسامی اکنون نیز رایج هستند. به همین دلیل، از یک طرف، ایجاد بانک اطلاعاتی این اسامی واجب است، از طرف دیگر، یکسان‌نمودن این‌گونه اسامی در منابع رسمی جزو

۱. جعفری، عباس، رودها و رودنامه ایران، گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۶.

۲. بدیعی ربیع، جغرافیای مفصل ایران، اقبال، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۹۶.

۳. همان، صص ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۱.

۴. دشتی‌زاده رحمت‌آبادی محمد، آب‌های زیرزمینی و قنات، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی، شیراز، ۱۳۷۳.

ضروریات دنیای معاصر است. برای مثال درسکته‌های ۵۰ ریالی رایج فعلی به نقشه ایران و نام دریای مازندران برخورد و در مدارس به نوآموزان نام دریای خزر (و مازندران را در پرانتز) می‌آموزیم و در کتب خارجی آن را کاسپین و بحر قزوین می‌نامیم.

در این کتاب، مسائل مربوط به آبنام‌ها (هیدرونیم‌ها) یا نام‌های جغرافیایی موردهای آبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علائم آوانویسی و توضیحات

در بخش‌های گوناگون این کتاب به آبنام‌هایی اشاره شده که آوانویسی آنها مطابق جدول زیر است. اعداد داخل پرانتز (در برابر اسامی)، بسامد اسم را می‌رساند. در برخی مثال‌ها نوع عارضه داخل پرانتز و قبل از اسم ذکر شده است.

علائم مورد استفاده برای آوانویسی:

Â: ع	M: م
Ä: اَ فتحه	N: ن
A: آ	O: اُ ضمه
B: ب	Ö: اُ مصوت
Ç: چ	P: پ
D: د	Q: ق
E: کسره (اِ)	R: ر
F: ف	S: س، ص، ث
G: گ	T: ط
Ğ: غ	U: او
H: ه، ح	Ü: اُو مصوت
İ: ی	V: و
I: ی کوتاه	X: خ
J: ج	Y: ی
K: ک	Z: ز، ذ، ض، ظ
L: ل	Ž: ژ

فصل اول

تعریف هیدرونیم

هیدرونیم چیست؟

شاخه علمی را که در زبان‌شناسی به بررسی و تحقیق در مورد اسامی جغرافیایی می‌پردازد، توپونیمی می‌نامند. توپونیمی در پی رشد تحقیقات زبان‌شناسی در قرن بیستم به وجود آمده و به عنوان بخشی از زبان‌شناسی همگانی (در مبحث نام‌شناسی^۱) به بررسی اسامی جغرافیایی می‌پردازد. یکی از سه شاخه عمده مورد بررسی توپونیمی، آبنام‌ها هستند که موضوع اصلی آن اسامی موردهای آبی است.

آبنام‌ها به مجموع اسامی کلیه منابع آبی اعم از زیرزمینی و روی زمینی اطلاق می‌شود. منابع آبی از دیرباز به دو دسته تقسیم می‌شوند: منابعی که از ابتدا به صورت طبیعی^۱ شکل گرفته و به‌وجود آمده‌اند؛ مانند اقیانوس‌ها، دریاها، نهرها، رودخانه‌ها،

دریاچه‌ها، آبشارها، چشمه‌ها، آب‌های معدنی، تالاب‌ها، مرداب‌ها، باتلاق‌ها^۲، برکه‌ها، مسیل‌ها، زهاب‌ها، جویبارها، کاریزها، ماندآب‌ها. دسته دوم منابع یا **موردهای آبی**^۳ مصنوع دست بشر^۴ هستند؛ مانند سدها، دریاچه مصنوعی، بندها، کانال‌ها، آب انبارها، پل‌های آبرو، چاه‌های آب، قنات‌ها، استخرها، مخزن‌های آب و....

اگر عمر برخی از منابع آبی طبیعی به قدمت عمر کره زمین باشد، عمر تعدادی دیگر از منابع آبی مصنوعی ممکن است به چند روز هم نرسد. این‌گونه آبنام‌ها را آبنام‌های جدید^۵ می‌گویند. به‌هرحال، ما با مجموعه عظیمی از منابع آبی سروکار داریم که هرکدام دارای عنوانی است که موضوع مورد بحث هیدرونیمی (Hydronymy) است.

منابع آبی از نظر شکل خارجی و بیرونی آن‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول منابع آبی حجیم مانند دریاها، دریاچه‌ها، اقیانوس‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و.... و دسته دوم منابع آبی دارای حجم کوچکتر مانند قنات‌ها، چشمه‌ها، جویبارها و.... اسامی دسته اول **ماکروآبنام**^۶ (آبنام‌های بزرگ) و اسامی دسته دوم **میکروآبنام**^۷ (آبنام‌های کوچک) نامیده می‌شود. ماکروآبنام‌ها اغلب جزو دسته عوارض طبیعی به‌شمار می‌روند و میکروآبنام‌ها در اغلب موارد جزو عوارض ساخت دست بشر هستند. بنابراین باتوجه به

1. Natural Features

۲. در توپونیمی به اسامی مرداب‌ها و باتلاق‌ها Elonym می‌گویند.

3. Hydro-objects

4. Man-made objects or features.

5. Neohydronyms

6. Macrohydronyms

7. Microhydronyms

نوع ساخت و شکل خارجی آبنام‌ها آنها را به انواع ماکروآبنام طبیعی^۱، ماکروآبنام مصنوعی^۲، میکروآبنام طبیعی^۳ و میکروآبنام مصنوعی^۴ می‌توان دسته‌بندی کرد.

ماکروآبنام مصنوعی	ماکروآبنام طبیعی
سدکارون	دریاچه هامون
سددز	دریاچه لار
سدکرج	رود کرج
سدلتیان	جاجرود
سدکرخه	رود باخزر

جدول ماکروآبنام‌ها

میکروآبنام مصنوعی	میکروآبنام طبیعی
چشمه اسد	آب سردار (قنات)
چشمه گل‌علی	قنات کوثر
چشمه بوشلی	آبشار (قنات)
آبگرم بش باجیلر	قنات شاه چلبی
آبگرم گنرال	قنات هکماوار

جدول میکروآبنام‌ها

کشور ما دارای عوارض آبی بسیار زیادی است. این عوارض تاکنون از لحاظ فیزیکی، شیمیایی، جغرافیایی، ژئومورفولوژی و ... مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما در مورد بررسی زبان‌شناختی و توپونیمیک این اسامی تا امروز اقدامی درخور توجه انجام

1. Natural macrohydronyms
2. Man-made macrohydronyms
3. Natural microhydronyms
4. Man-made microhydronyms

نگرفته است. بنابراین در این کتاب اسامی **موردهای آبی**^۱ مد نظر قرار گرفته و تنوعات و دسته‌بندی‌های مختلف ساختاری و معنایی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به دلیل اهمیت آب در زندگی انسان و سایر جانداران، انسان‌های اولیه پیوسته بستر و کناره آبراهها را برای زندگی انتخاب می‌نمودند. به همین دلیل قدمت برخی عوارض آبی و اسامی آن‌ها به قدمت زیستگاههای انسان می‌رسد. از طرف دیگر، آبنام‌ها دیرتر از اسامی نقاط مسکونی تغییر می‌کنند. مایکل ویتزل در مقدمه کتاب «**هیدرونی‌م‌های نپال**» ضمن اشاره به این مسأله می‌نویسد:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اسامی جغرافیایی مانند نهرها، رودها، کوهها در اغلب موارد تغییر ناپذیرتر هستند. این امر بویژه در مورد اسامی رودخانه‌های اروپا که بررسی‌های جامع‌تری در مورد آنها انجام گرفته است صدق می‌کند. رودنام‌های اروپا اغلب منعکس‌کننده زبان‌هایی هستند که قبل از مهاجرت جوامع هندو-اروپایی در آن مکان‌ها رایج بوده‌اند.^۲

تاریخچه ثبت و نگارش اسامی موردهای آبی با زمان پیدایش خط و آغاز کتابت مطابقت می‌کند. در برخی از کتیبه‌های باستانی کشورمان و کشورهای همسایه نام دریاچه‌ها و رودهایمان دیده می‌شود. بعضی از این اسامی هنوز هم به همان شکل قدیم مورد استفاده هستند و برخی به اسامی دیگر نامیده می‌شوند. آبنام‌های ایران را حتی در کتب و نوشته‌های کهن سایر ملل دور مانند هندی‌ها، یونانی‌ها، چینی‌ها، رومی‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد. در کتاب کلودیوس پتولیمی یا بطلمیوس به نام «**راهنمایی برای شرح جهان**» (که به نام «**جغرافیای بطلمیوس**» نیز نامیده می‌شود) به ۸۱۰۰ اسم که برخی از آنان متعلق به اراضی ایران باستان است برمی‌خوریم. این اسامی تنها به مرزهای فعلی ما محدود نمی‌شوند و ما آنها را در فراسوی مرزهای سیاسی کنونی کشورمان نیز مشاهده می‌کنیم. این اسامی در دل خود اطلاعات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی بسیاری را نهفته دارند.

1. Hydro-objects

2. Witzel Michael, *Nepalese Hydronomy*, Harvard University, 1991, p.2.

آبنام‌های ایران تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است. جالب است بدانیم که ما برای تحقیق در مورد اسامی آبنام‌ها به هیچ کتاب یا نوشته مستقلی در این مورد برخوردیم. حتی تفحص در نشریات و کتب جغرافیایی نیز ما را به مورد خاصی هدایت ننمود. البته جسته و گریخته به مقالاتی در مورد وجه تسمیه آبنام‌ها مانند خلیج فارس و اروندرود و ... در کتب جغرافیایی برمی‌خوریم که بیش از آنکه جنبه علمی و هیدرونیمی داشته باشند، جنبه سیاسی - اجتماعی دارند. البته باید اذعان نمود که در همین نوشته‌های مختصر نیز مطالب مفیدی در مورد بررسی آبنام‌ها وجود دارد. برای نمونه عبدالکریم بهنیا در اثر علمی خود پیرامون «قنات‌سازی و قنات‌داری» به موضوع جالبی اشاره می‌نماید و درباره اسامی قنات‌ها می‌نویسد:

«در ایران و سایر کشورهای جهان برای قنات بیش از ۲۷ اسم وجود دارد. این اسامی در جنوب غربی آسیا عبارتند از: قونات، کنانت، کنانت، کنوت، کانات، خنات، خاد، کنایت، قنات، کارز، کاریز، کاه ریز، کاه رز، کرز، کاکوریز، که ریز و ...»^۱

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده فعالیت در زمینه اسامی موردهای آبی در سال‌های گذشته معطوف به تدوین کتب دایره‌المعارف و فرهنگ جغرافیایی (بیشتر رودها) بوده است که از آن میان می‌توان به کارهای لطفاله مفخم پایان، عباس جعفری و تألیفات سازمان جغرافیایی کشور اشاره کرد.

از آنجایی که هیدرونیمی و توپونیمی گرایش‌های جدیدی در تحقیقات زبان‌شناسی به‌شمار رفته و زبان‌شناسی همگانی در ایران دوران کودکی خود را طی می‌کند، کمبود کتب مورد نیاز درباره آبنام‌های ایران بسیار عادی و طبیعی جلوه می‌کند.

گردآوری و بررسی آبنام‌ها (در کلیه نقاط جهان) فواید متعددی دارد؛ یعنی:

«اولا باعث شناخت کامل حوضه‌های آبی یک منطقه و سیستم آن می‌گردد؛ دوم شکل‌گیری حوضه‌های آبی را روشن می‌کند؛ سوم امکان تحلیل زبانشناختی

۱. بهنیا، عبدالکریم، قنات‌سازی و قنات‌داری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۰.

موردهای آبی را فراهم می‌کند؛ چهارم لایه‌های زبانی و منسوبیت زبانی را روشن می‌کند»^۱.

برای مثال در قنات‌سازی اصطلاحات بسیاری به کار می‌رود؛ مانند تره‌کار، زهکان، دستک، خشکه، آب‌خواب، شولات، زنگابه، زیرسو، بالاسو،^۲ و... که اصطلاحات جغرافیایی هستند. گردآوری اسامی موردهای آبی منجر به شناسایی و تثبیت اصطلاحات جغرافیایی محلی در آن‌ها می‌گردد. این مسأله از یک طرف، سیر تحول واژه‌های علمی را در زبان فارسی و سایر زبان‌های رایج در ایران نشان می‌دهد. از طرف دیگر، ظرفیت واژه‌سازی اصطلاحات علمی در این زبان‌ها را تقویت می‌کند و مانع نفوذ اصطلاحات نامانوس بیگانه در زبان کشورمان می‌شود.

1. Qara Mashediye, *Zaqafqaziynin Azerbaycan Toponimleri*, Elm, Bakı, 1990, p.111.

۲. همان، ص ۳۸.

فصل دوم

نگارش هیدرونیم

یکسان‌سازی و ثبت هیدرونیم‌ها

یکی از مسائل جدی و مهم در گردآوری و ثبت آبنام‌ها، یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی است. برای انجام این کار دستورالعمل مورد نیاز باید توسط کارشناسان و متخصصان زبان‌شناسی تهیه گردد. نگاهی اجمالی به فرهنگ‌های متعدد جغرافیایی گویای این امر است که برای گردآوری اسامی جغرافیایی یک رویهٔ واحد علمی وجود نداشته و همین امر باعث ثبت نادرست برخی اسامی شده است.

در وهله نخست، برای گردآوری و ثبت درست اسامی شناخت محیط زبانی اهمیت دارد. در سال‌های گذشته برای ثبت اسامی نقاط مختلف کشور به زبان فارسی به عنوان زبان رسمی توجه بیش از حدی شده که این امر باعث ثبت اسامی غیرفارسی با اشتباهات فاحش شده است. در ثبت اسامی زبان‌های ایرانی (مثل گیلگی، لری، کردی مازندرانی) و نیز لهجه‌های زبان فارسی مانند خراسانی، اصفهانی، کرمانی و ... مشکل چندانی پیش روی متولیان امر نبوده است، زیرا اصوات موجود در اکثر این زبان‌ها در

زبان ادبی و استاندارد فارسی نیز موجود است. مشکل عمده، ثبت اسامی غیر فارسی زبان است. برای تبیین موضوع نگاهی به اسامی ترکی ایران می‌اندازیم.

هنگام ثبت اسامی جغرافیایی و آبنام‌های غیرفارسی ایران چند نوع خطا بروز می‌کند:

اول خطاهایی که در اثر عدم آشنایی عامل ثبت‌کننده با زبان آبنام واقع می‌شود. در این نوع خطا، ثبّات، نام مورد نظر را به نزدیکترین صوت شنیداری زبان فارسی تبدیل می‌کند و باعث از بین رفتن مفهوم و مصداق اسم می‌گردد؛ مانند زروان (Zarvān) (که هنگام ثبت زارعان شده است) و اوسپووا (Uspovā) (که به یوسف‌آباد تبدیل شده است). دوم اسامی که هنگام ثبت آنها قواعد و دستورالعمل خاص زبان ترکی رعایت نشده یا نادیده گرفته شده است. برای مثال دریاچه در زبان ترکی گؤل (göl) خوانده می‌شود، اما این واژه در آبنام‌ها به شکل گلی و گل نوشته شده است که اولی در زبان فارسی رنگ سرخ و دومی گل و گیاه معنی می‌شود. مثلاً دریاچه مصنوعی شهر تبریز که ائل گلی (Elgöli) ثبت و خوانده می‌شود، به فارسی «طایفه سرخ رنگ» معنی می‌دهد و نه «دریاچه مردم» که معنی محلی آن است. همین‌طور است معنی «قنات خانم گلی» (qanāte xānım göli) که در تبریز به معنای قنات «دریاچه سرور من» است و می‌تواند به زبان فارسی قنات «خانم سرخ» تعبیر شود. همین مسأله برای ثبت اسامی ترکی بولاق (bulāq) به معنای چشمه وجود دارد. اصطلاح هیدروجغرافیایی چشمه به زبان ترکی به اشکال بلاغ، بولاغ، بولاق و بلاق ثبت شده است مانند (رود) آق‌بلاغ (Äğbuläğ)، (آب معدنی)، شور بولاغ بیلوار (Şorbuläğ beylvär)، (رود) جنی بلاغ (Cinnibuläğ)، (رود) شکر بلاغ (Şakarbuläğ)، (رود) یاستی بلاغ (Yästibuläğ) که تنها شکل بولاق درست است. اگر این کلمه به صورت اضافه ترکیبی به جزء دوم یک اسم اضافه شود و بعد از صدای ق حرف صدادار بیاید، «ق» به «غ» تبدیل می‌شود؛ مانند منصور بلاغی (رود).

کلمات ترکی آغ و قارا (به معنای سفید و سیاه) نیز همین مشکل را دارند و در اسامی گوناگون به شکل آق، قره، قرا نیز ثبت شده‌اند. در زبان ترکی حروف صدادار نه عدد هستند و حروف صدادار لبی ترکی مثل ö, ü در فارسی معادل نداشته و در

اسامی منعکس نشده است. این موضوع یعنی عدم ثبت و ضبط صداهاى خاص زبان ترکی در کلیه دستورالعمل‌هایی که تاکنون برای ثبت اسامی جغرافیایی تدوین شده است مشاهده می‌شود. قابل توجه است که این نقص در جزوه منتشر شده توسط گروه کاری آوانگاری سازمان نقشه‌برداری کشور نیز به چشم می‌خورد و تدوین‌کنندگان «راهنمای آوانویسی کلی» تنها جداولی را برای ثبت اسامی جغرافیایی فارسی تنظیم کرده‌اند. در جزوه مزبور ضمن ارائه تعریف آوانویسی نوشته شده است:

«۲-۲- آوانویسی عبارت است از ثبت نام‌های جغرافیایی مستخرج شده از ماده‌ی زبانی تلفظ شده توسط گویشوران بومی ... با استفاده از نظامی الفبایی که در آن رابطه‌ای یک به یک بین آوا و حرف برقرار باشد.^۱

در جداول تکمیلی که برای ثبت واژه‌ها پیشنهاد شده است نیز کمبود حضور واژه‌های لبی ترکی مشاهده می‌شود. این نقیصه باید برطرف شود تا بتوان ثبت و آوانویسی اسامی ترکی را بدرستی انجام داد.

نوع دیگری از خطای رایج، ترجمه اسامی است. در این حالت، اسامی برخی آبنام‌ها به همان معنی آبنام زبان اصلی ترجمه شده است؛ مانند:

آبنام ترجمه شده	آبنام اصلی
زنجانرود	زنجان چای
تلخه رود	آجی چای
سپیدکوه	آق داش
کل سنگ	کچل داش
خشکرود	قوری چای
آتش	یانخلی (جزیره)
تخت	یاستی آدا (جزیره)
شمشیر	قلیچ (جزیره)
سیاه تپه	قره تپه

۱. راهنمای آوانویسی کلی، گروه کاری آوانگاری نام‌های جغرافیایی، کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۸۳، ص ۵.

در برخی آبنام‌های ترجمه شده، آبنام به معنای دیگری غیر از معنای واقعی آن ترجمه شده است که یا ناشی از خطا در اخذ معنا و مفهوم آبنام است، یا خطای عمدی است؛ مانند:

ترجمه نادرست آبنام	آبنام اصلی
زرینه رود	چم جغتای
سفیدرود	قزل اوزن
سیمینه رود	چم قروچا
بهرام	آقمشه (جزیره)
اشک	ایشک (جزیره)
برذین	داش آدا (جزیره)
تک	دوقوزلر (جزیره)
شاهین	سائین قلعه
سیاوش	قره آدا (جزیره)
برزو	علی میرزا (جزیره)
گرز	عموجانلر (جزیره)

معانی اصلی آبنام‌های فوق به شرح زیر است:

چم جغتای (Çamcüqatäy): رود جغتای (نام شخصیت تاریخی)

قزل اوزن (Qızılüzan): زرینه رود یا رود سرخ

چم قروچا (Çamquruçä): رود قروچا

آقمشه (Äqmeşa): جنگل سپید

ایشک (Eşik): بیرونی

داش آدا (Däşädä): زیره سنگی یا جزیره سنگلاخ

دوقوزلر (Doquzlar): (جزیره) نه گانه یا نه تن

سائین قلعه (Säyinqala): قلعه احترام برانگیز

قره آدا (Qaraädä): جزیره سیاه (بزرگ)

علی میرزا (Älimirzä): نام خاص احتمالاً در محل معروف است.

عموجانلر (Ämicänlar): مربوط به طایفه عموجانلر

مثال‌های فوق از بین اسامی رسمی دریاچه ارومیه برداشته شده است. آنچه در تغییر اسامی جزایر دریاچه ارومیه دیده می‌شود، وجود یک نظام واحد برای تبدیل این اسامی است؛ بدین معنا که کلیه اسامی بومی و محلی جزایر با نام‌های برگرفته از شاهنامه فردوسی جایگزین شده و خود گویای یک سیاست زبانی خاص است.

یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی دارای اهمیت بین‌المللی نیز است. به همین دلیل، سازمان ملل متحد اقدام به تشکیل کمیته خاصی متشکل از کشورهای عضو نموده و آنها را در گروه‌بندی‌های زبانی و منطقه‌ای موظف به گردآوری و یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی نموده است. تازه‌ترین فعالیت کمیته یکسان‌سازی سازمان ملل متحد تشکیل گروه‌کاری نامگذاری عوارض بستر دریاهاست^۱. بیشتر سطح و اعماق آب‌ها به طور مشترک مورد استفاده هستند، بنابراین نامگذاری عوارض آبی بدون در نظر گرفتن نظرات سایر ملل نیز می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. اشتباه در به کار بردن اسامی جغرافیایی به طور اعم و اسامی مورد‌های آبی به طور اخص باعث بروز ناآرامی و تشنج میان کشورهای همجوار یا استفاده‌کنندگان آن اسامی می‌شود. کافی است به تجربه کشورمان در مورد نام اروندرود (معادل اندونیم شط‌العرب) و خلیج فارس اشاره کنیم. این اشتباهات به دو صورت هستند؛ یعنی یا به صورت عمدی است و ناشی از اهداف سیاسی و غیرسیاسی است، یا به صورت ناآگاهانه و عدم توجه به ثبت و ضبط آن نام در کشور صاحب آن نام. در اینجا برای اشتباه نوع به مثالی کفایت می‌کنیم. در کتاب تاریخ کلاس پنجم ابتدایی و جغرافیای اول راهنمایی نام رودی که پس از پیوستن به رود ارس به دریای خزر می‌ریزد، کورا^۲ و نام سد (دریاچه مصنوعی) روی همین رود در نزدیکی شهر مینگه چوپر، مینگه جاوا

۱. برای اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی مربوط به UNGEGN مراجعه کنید.

۲. برای اطلاعات بیشتر به کتاب تعلیمات اجتماعی کلاس پنجم دبستان صفحه ۳۳ و جغرافیای اول راهنمایی

صفحه ۹ (نقشه) مراجعه کنید.

ثبت شده است. این نام‌ها برگرفته از برگردان روسی آنهاست، زیرا در زبان روسی این رود *Кур* (کورا) و سد مینگه چاوا (*Мингечав*) گفته می‌شود که الف آخر آن علامت دستوری (تانیث) است و تدوین‌کنندگان کتاب مزبور توجهی به تلفظ و ثبت آن اسامی در اسناد رسمی آن منطقه ننموده‌اند. تلفظ درست و رسمی این نام‌ها *Kür*^۱ (کؤر-کر) و *Mingaçevir* (مینگه چویر) است. مشابه نام رود کر در کشورمان نیز وجود دارد؛ مانند (رود) کر (*Kor*) در شیراز و (رود) کر (*Kor*) در آبادیه. اصطخری در کتاب «مسالک و ممالک» درباره این رود می‌نویسد:

«...و رود کر آبی خوش است، از کوه آید و به حدود گنجه رود و به شمکور و در میان تفلیس گذرد و به کافرستان اوفتد».^۲

1. *Azerbaijan xəritəsi, Kart.və Geo. komitəsinin hazırladığı xəritə, Bakı, 1996*

. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،

فصل سوم

دیرپای هیدرونیم

هیدرونیم‌ها در تاریخ

آبنام‌های ایران از دیر باز مورد توجه سیاحان، جغرافیدانان و تاریخ‌نگاران بوده است. اغلب جغرافیدانان در مورد وضعیت دریاها و رودهای ایران قدیم مطالبی ذکر کرده‌اند. برخی از آنها پا را فراتر گذاشته و در مورد مفهوم آبنام‌ها نیز عقاید خود و دوران خود را به تفصیل بیان کرده‌اند. آنچه که از نظر هیدرونیمی قابل اهمیت است، تفسیر آنان از وجه تسمیه اسامی نیست. البته این موضوع به نوبه خود مهم است، اما مهم‌تر از آن ثبت اسامی مورد آبی یا آبنام‌هاست. ثبت درست یک نام، کلید واقعی اسرار نهفته در آن نام است. نام درست دارای ارزش و بار فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، اقتصادی و ... است. ثبت نادرست اسامی باعث تحریف واقعیات علمی، فرهنگی و معیشتی می‌شود.

بررسی کتب قدیمی خصوصاً منابع و مأخذی که دستاورد دانشمندان سایر ملل است، نشان می‌دهد که ثبت آبنام‌های کشور ما توسط آنها دارای نقص‌هایی بوده است. قدیمی‌ترین منابع آبنام‌های ما آثار «هکاتئوس» پدر جغرافیاست. در کتاب او اسم «دریای هیرگانی» و «رود ارس» ثبت شده است. یکی از خصوصیات زبان یونانی، تغییر اسمی است. برای مثال آنها رود ارس را به صورت آراکس (Äräks) ثبت نموده‌اند. هرودوت پدر تاریخ نیز هنگام بحث پیرامون حوادث تاریخی روزگار خود، جای جای به نام رودها و دریا‌های ایران اشاره می‌نماید. وی می‌نویسد که رود آراکس (ارس) از دانوب بزرگتر است.^۱

«استرابو» در کتاب مفصل «جغرافیا»ی خود به نام رودهای ایران اشاره می‌کند. از دیگر دانشمندان یونانی که آبنام‌های ایران در آثار آنها دیده می‌شود می‌توان به «اراتسن» اشاره نمود. «کلاودیوس پتولمه» در کتاب «راهنمای جغرافیا» نام رودهای این مناطق مثل رود کر (Kor)، رود آلبان (Älbän)، رود آلازان (Äläzän)، رود کایسی (Käisi)، رود سوانا (Suänä) را ثبت کرده است.

مورخ رومی گایوس پلینوس یا پلین بزرگ نیز از آبنام‌های کامبیس (Kämbis)، کاس (Käs)، اوکازان (Okäzän)، و ایبر (İber) نام برده است.

مورخان ارمنی مانند لازار فاربی، الیزه، مسروپ ماشتوس رودکر، رود ارس و دریای خزر را ذکر نموده‌اند.

در منابع قدیم گرجی و از جمله در «سالنامه گرجستان» (Kartlis tekhoreba)^۲ اسامی ایرانی مربوط به قرون ۱۴-۵ مشاهده می‌شود.

در قدیمی‌ترین منبع فارسی یعنی کتاب «حدود العالم» تألیف سال ۳۷۲ ه.ق از دریای خزر، دریای کبودان، دریای باسفهری، دریای بجکان، دریای یون، دریای جنکان، دریای ارزن، دریای زره، رود سکان، رود پارس، رود خویدان، رودکر، رود فروآب، رود

1. Herodotus, The Histories, Penguin Books, GB, 1973, p. 122.

2. Azərbaycan onomastikası problemlərinə həsr olunmuş II elmi-nəzəri konferansın materiyalları, Bakı, 1988, s. 161.

طاب، رود سردن، رود شوشتر، رودهرند، تیزنرود، رودارس، رود کر، نهرمیجان، سپیدرود، زرن رود نام برده شده است.^۱

جغرافیدانان عرب نیز در آثار خود آبنام‌های ایران را ثبت کرده‌اند.

«ابواسحق ابراهیم اصطخری» نویسنده کتاب «مسالک و ممالک» در قرن چهارم نام رودها و دریاچه‌ها را برشمرده است؛ مانند دریاچه کنده، دریاچه ارمیه، دریاچه توز، دریای خزر، دریاچه چوپانان، دریای پارس، دریای جنگان، دریای طبرستان، روداندراب، رود برخوی، رود اسرود، رود خرساب و ...^۲

«یاقوت» در کتاب معظم «معجم البلدان» و «مشترک یاقوت حموی» گنجینه عظیم اسامی آبنام‌های ایران را به یادگار گذاشته است؛ مانند بحیره طریخ، بحیره زره، جزیره عبادان، رودارس، دریای خزر، دریای ارمیه، دریای آبسکون، رودقم، سپیدرود.^۳

«بوعبداله محمدبن احمد مقدسی» در کتاب «حسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» که به سال ۳۷۵ هجری قمری تالیف کرده است، در بخش دوم اثرش تحت نام سرزمین ایران به توصیف خاوران، سرزمین دیلم، سرزمین رحاب، سرزمین کوهستان فارس، خوزستان و ... پرداخته است. او نام رودخانه‌ها، دریاها و ... را مانند ارس، نهرملک، کر، دریاچه آرچیج، سپیدرود، رود طاب، کرج، نهر مشرقان، مرداب دوزق، آبسکون ذکر می‌کند.^۴ منابع عربی قرون میانه اسلامی سرشار از اسامی آبنام‌های ایران است. نام بردن از تک تک آنها در اینجا ضرورتی ندارد.

از اوایل قرون میانه حضور سیاحان در ایران آغاز گردید. بیشتر این سیاحان با مقاصد و اهداف سیاسی به ایران آمدند. شرح و نتایج سفر آنها در سفرنامه‌هایی که برای ما به یادگار گذاشته‌اند به دست ما رسیده است. آنان در اکثر این سفرنامه‌ها وضعیت اقتصادی ایران آن روزگار را تشریح نموده‌اند. نکته جالب در این کارها ثبت اسامی

۱. حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، طهوری، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۶۴.

۲. ر.ک. ابواسحق اصطخری، مسالک و ممالک، تهران، ۱۳۴۷.

۳. حموی، یاقوت، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۷.

۴. ر.ک. مقدسی ابوعبداله محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱.

آبنام‌های ایران است. آنان هنگام عبور از کنار آب‌های معدنی، پل‌ها و ... اسامی موردهای آبی را ذکر می‌کنند. حتی اگر کار آنها امروزه فاقد اهمیت علمی باشد، اما آثار آنها را می‌توان به عنوان منابع قدیمی مورد استناد قرار داد. در میان کارهای انجام شده در قرون گذشته، یک اثر دارای ارزش ویژه برای بررسی‌های علمی آبنام‌های ایران است. در قرن نوزدهم ترجمه کتب جغرافیایی مشرق زمین برای تحقیقات شرق‌شناسی اهمیت خاصی کسب نمود. به جرأت می‌توان گفت که کلیه کتب عمده جغرافیایی عربی و فارسی به زبان‌های اروپایی ترجمه شده و تحقیقات وسیعی در مورد آنها انجام گرفته است. در این میان دانشمند شهیر باریبه دو مینارد (Barbier De Meynard) دست به تالیف اثری زد که برای ما از جایگاه خاصی برخوردار است. وی در سال ۱۸۶۱ اثر جامع خود را تحت نام «فرهنگ جغرافیایی، تاریخی و ادبی ایران» در پاریس چاپ نمود.^۱

در اواسط قرن بیستم ایران‌شناس مشهور روس، ساوین فرهنگ اسامی جغرافیایی ایران را تدوین نمود.

در قرن بیست و یکم علی‌رغم کاهش فعالیت در زمینه علوم غیرادبی مربوط به ایران، جسته و گریخته کارهایی تحقیقی در مورد اسامی جغرافیایی ایران انجام گرفته است. یکی از این تحقیقات، بررسی اسامی ایرانی در آبنام‌های اوکراین است.^۲ یقیناً کارهای فراوانی در سطح جهان انجام شده است و لازم است که کلیه این تحقیقات گردآوری، و در دسترس دانشوران و محققان ایرانی قرار گیرد.

-
1. De Meynard Barbier, Dictionnaire geographique, historique et litteraire de l'Perse, Paris, 1861
 2. Telegin D. Y. Iranian Hydronyms and Archeological Culture in the Easter Ukraine, JIES., V.18, p.109

فصل چهارم

تابع هیدرونیوم

روش گردآوری و بررسی هیدرونیومها

یکی از ضروریات مهم هر پژوهش و بررسی، گردآوری مواد مورد نیاز آن تحقیق است. در اینجا ما مبنای بررسی خود را بر منابع رسمی موجود نهاده‌ایم. اسامی رودها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها، دریاچه‌ها، کاریزها، برکه‌ها، نهرها، قنوت، تالاب‌ها، مرداب‌ها، کانال‌ها، آب‌های معدنی، چاههای عمیق به طرق مختلف توسط منابع رسمی بنابر وظایف آنها گردآوری شده است. نکته مورد توجه این است که اینان از یک طرف در ثبت اسامی آنها از اصول آوانویسی پیروی ننموده‌اند و از طرف دیگر، مبنای کار هیچ‌کدام از این منابع رسمی بررسی توپونیمیک اسامی نبوده است؛ زیرا این کار جزو وظایف و مسئولیت‌های آنان نبوده است. این کار در واقع یکی از وظایف اصلی «کمیته یکسان سازی نام‌های جغرافیایی» مستقر در سازمان نقشه‌برداری کشور است. وظایف این کمیته، علاوه بر ایجاد بانک اطلاعاتی، گردآوری این اسامی نیز است. در سازمان

نقشه‌برداری کشور به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز جغرافیایی از کارت اسامی استفاده می‌کنند. بررسی اجمالی این کارت‌ها نشان می‌دهد که در گردآوری اطلاعات مربوط به عوارض جغرافیایی، در مورد اسامی عوارض، مسائل مربوط به توپونیم‌ها و اسامی جغرافیایی از دید تدوین‌کنندگان «دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌نگاری عوارض در نقشه‌ها و پایگاه اطلاعات توپوگرافی ملی»^۱ به دور مانده است. نقص عمده این دستورالعمل تنها عدم توجه به اسامی عوارض نیست، بلکه جامع نبودن نوع عوارض نیز است؛ یعنی عوارض جغرافیایی بسیاری روی نقشه منعکس نمی‌شوند. اگر در تدوین یک نقشه خاص و با مقیاسی معین نیازی به انعکاس برخی عوارض در روی برگه نقشه نداشته باشیم، باید در کارت اسامی، این اطلاعات جمع‌آوری و در پایگاه الکترونیکی مربوطه ضبط‌گردد تا در آینده مورد استفاده قرار گیرد.

امروزه با توجه به اهمیت گردآوری صحیح اسامی، تلاش‌های مختلفی در سطح جهان انجام شده است. در این راستا، سازمان ملل متحد گام‌های بزرگی برداشته و از کشورهای عضو نیز خواسته است که علاوه بر تشکیل کارگاه‌های آموزشی، نسبت به گردآوری اسامی، اقدام به تهیه دستورالعمل‌های لازم بنمایند. به همین منظور برخی از کشورها از جمله کانادا راهنمای گردآوری اسامی جغرافیایی را به زبان‌های بومی تهیه و در دسترس علاقمندان گذاشته است.^۲ کشور ما نیز به دلیل تنوع زبانی و گسترده بودن اسامی جغرافیایی باید تهیه چنین دستورالعمل‌هایی را در دستور کار خود قرار بدهد. انتظار می‌رود که «کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران» بدین امر اهتمام نموده و دستورالعمل‌های گردآوری اسامی جغرافیایی به زبان‌های مختلف مرسوم در کشور را تهیه نماید.

برای این کار می‌توان از تجربیات سایر کشورها نیز با توجه به ویژگی‌های خاص محلی و فرهنگی استفاده نمود. تهیه پرسش‌نامه‌های مخصوص و جامع و آموزش گروه‌های ویژه برای چنین طرح‌هایی دارای اهمیت عملی و علمی بنیادی است. برای

۱. دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌نگاری عوارض در نقشه‌ها و پایگاه اطلاعات توپوگرافی ملی، نگارش ۱/۲ (با تجدید نظر کلی و تغییرات اساسی)، کمیته استانداردهای اطلاعات توپوگرافی رقومی، سانکا، تهران، ۱۳۷۷.

2. Toponymic guide

این کار باید تمام اسامی موردهای آبی از خرد و کوچک، بدون توجه به وضعیت فیزیکی آنها گردآوری شوند.

گردآوری آبنام‌ها به دو روش می‌تواند انجام گیرد:

۱. گردآوری و ثبت آبنام‌ها به صورت همزمان^۱.
۲. گردآوری و ثبت آبنام‌ها به صورت در زمان^۲.

۱. گردآوری اسامی به صورت همزمان

در این روش، با اعزام نیروهای آموزش دیده کلیه آبنام‌های فعال با آوانویسی دقیق جمع‌آوری می‌شود. آبنام فعال، عارضه‌ای را گویند که نام آن بین مردم رایج باشد، حتی اگر عارضه آبی دیگر موجودیت جغرافیایی نداشته باشد، مانند رودی که خشک شده باشد یا فصلی باشد و در زمان ثبت آن فاقد آب باشد یا چشمه‌ای که دهانه آن کور شده و آب ندهد.

برای گردآوری آبنام‌ها هیچ چیز نباید از دید متصدیان به دور بماند. حتی اسامی موردهای آبی بسیار کوچک نیز نباید نادیده گرفته شوند. برای مثال اگر در جایی بر اثر پدیده‌های جوی و جغرافیایی مقداری آب جمع گردد که فصلی بوده و تنها مورد استفاده دام‌ها و دارای نام هستند، باید ثبت‌گردد (جالب توجه است که در دستورالعمل سازمان نقشه‌برداری کشور به ضبط و ثبت مانداب توجه شده است، اما عوارض مهمتر و بزرگتری مانند کاریز، جویبار، آب معدنی، آب گرم و ... از قلم افتاده است^۳).

برای آوانویسی آبنام‌های مناطق غیر فارسی زبان نیز باید از قواعد آوانویسی خاص آن زبان‌ها پیروی نمود. متأسفانه تاکنون دستورالعمل جامع آوانویسی برای کلیه زبان‌های موجود در ایران تدوین نگردیده و این اشکال عمده دستورالعمل‌های موجود است.

1. Synchronic

2. Diachronic

۳. دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌گذاری عوارض در نقشه‌ها و پایگاه توپوگرافی ملی، نگارش ۲/۱، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران ۱۳۷۷.

حداقل در مورد دستورالعمل‌های موجود باید اصوات مخصوص سایر زبان‌های مورد استفاده در ایران در آنها گنجانده شود.

بیشتر فرهنگ‌های جغرافیایی، فرهنگ روده‌ها، کوه‌ها و ... تدوین شده در سال‌های اخیر و اطلاعات و آمارهای تهیه شده توسط سازمان‌های گوناگون با استفاده از روش همزمان تنظیم شده‌اند. در مجموعه «آمارگیری روستایی جهادسازندگی» در بخش فرهنگ اقتصادی دهات و مزارع علاوه بر اسامی روستاهای کشور به تعداد قنات دایر، بایر، چاههای عمیق، نیمه عمیق، دستی، آرتزین، چشمه‌های دائمی، فصلی، رودهای دائمی و فصلی اشاره شده است، اما اسامی آنها ثبت نشده است.

ایجاد بانک اطلاعاتی آبنام‌های کشور که در آن آبنام‌ها به هر دو روش گردآوری و ذخیره شده باشند، بسیار مهم و اجتناب ناپذیر است. در این بانک اطلاعاتی کلیه داده‌های مربوط به عارضه شامل نام رسمی آبنام، نام محلی، نام بومی، نام قبلی، نام رایج، نام قدیمی، وجه تسمیه نام، نام‌های مشابه در منطقه، زبان رایج در منطقه، زبان آبنام و ... همراه با آوانویسی لاتین آنها ثبت گردند. تحلیل و بررسی این اطلاعات می‌تواند در ساخت نام‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد.

۲. گردآوری اسامی به صورت در زمان

در این روش، ضمن مراجعه به کتیبه‌ها، کتب، نقشه‌ها و اسناد قدیمی و کلیه منابع تاریخی موجود در کشور و سایر کشورها این اسامی به صورت توصیفی و تطبیقی از آن منابع استخراج می‌شوند. یعنی اشکال گوناگون آبنام در طول سال‌های گذشته جمع‌آوری می‌شود. یکی از فوائد عمده این کار، بررسی ماهیت زبان‌شناختی آبنام‌ها و بررسی آنها به صورت تطبیقی است که این امکان را به دست می‌دهد تا در صورت تلفظ نادرست، یا ثبت نادرست آبنام‌ها نسبت به اصلاح آنها از این منابع استفاده نماییم. در اغلب منابع جغرافیایی قدیمی، تلفظ و املا صحیح اسامی به کمک اعراب قید شده است. مشکل اصلی در تلفظ اسامی بدون اعراب، آن دسته اسامی است که دیگر دارای مصداق خارجی نیستند؛ مانند چشمه یا آبگرمی که خشک شده و دیگر وجود خارجی ندارند. از طرف دیگر، برخی از زبان‌ها هنگام ثبت یک نام خارجی آن را با قواعد مربوط

به زبان خود تطبیق می‌دهند، بنابراین هنگام بررسی این اسامی باید نسبت به قواعد آن زبان‌ها تسلط کامل داشت تا هنگام تبدیل اسامی اشتباه پیش نیاید. تاکنون رسم بر این بوده و هست که مترجمان هنگام برگردان کتاب‌ها، اسامی را به معادل فارسی آن برگردانده و توجهی به نکات مندرج در آن اسامی ندارند. این امر بخصوص در برگردان کتب تاریخی قابل اهمیت است.

«کمیتة تخصصی نام نگاری و یکسان‌سازی نامهای جغرافیایی ایران» برای گردآوری اسامی تاریخی اقدام به ایجاد گروه کاری «اسامی تاریخی» نموده است. البته باید اذعان نمود که این کار بسیار حجیم و پرمشغله است، زیرا باید کلیة منابع تاریخی بررسی، و یادداشت‌برداری گردد. انجام این کار بزرگ دارای اهمیت نظری و عملی بزرگی است.

شایان ذکر است که اشکال گوناگون اسامی باید در هر دو روش به طور کامل گردآوری گردند، تا بتوان در گام‌های بعدی به کمک متخصصان زبانشناس، تاریخدانان و جغرافی شناسان و... نسبت به ریشه‌یابی (وجه تسمیه) این اسامی تحقیقات لازم و مورد نیاز انجام گیرد. یعنی اشکال گوناگون آن در زبان فارسی و سایر صورت‌های آنها که در کشورهای همجوار ممکن است به کار رفته باشند بررسی شوند.

بررسی تطبیقی اسامی گردآوری شده به هر دو روش، اساس بررسی‌های توپونیمیک آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این مسأله، هم شامل روش‌های گردآوری اسامی، و هم شامل تحلیل ساختاری، لغوی و اتیمولوژیک اسامی می‌گردد. در بررسی تطبیقی، دایرة تحلیل اسامی از مرزهای سیاسی فراتر رفته و شامل تمام مناطقی می‌گردد که آن اسم یا اسامی مشابه آن در آن مناطق مورد استفاده قرار گرفته است.

مرزهای جغرافیایی رسمی یک زبان، تابع ثغور سیاسی آن زبان است. در قرون متوسط و میانه مرزهای زبان فارسی بسیار فراتر از مرزهای جغرافیایی فعلی آن بوده و از مشرق تا شبه قاره هند و از شمال تا سرحدات قفقاز و بخش‌هایی از آناتولی را در بر می‌گرفته است. امروزه گنجینه عظیمی از کتب نادر و دستنویس قدیمی در کتابخانه‌های هند، مصر، ترکیه، سوریه، ازبکستان و روسیه آرمیده است.

یکی از تحقیقات پرارزش در زمینه گردآوری تطبیقی توپونیم‌ها که در آن به آبنام‌ها نیز اشاره شده و شکل قدیم و جدید آنها جمع‌آوری شده است، «فرهنگ‌نامه تطبیقی نام‌های قدیمی و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران و نواحی مجاور» کار علیرضا چکنگی است. جای چنین کاری نه تنها برای توپونیم‌های ایران به طور عام، بلکه برای آبنام‌ها و سایر بخش‌های توپونیمی خالی بوده و این کار باید ادامه یابد.

فصل پنجم

بافت شناسی هیدرونیم

بافت ساختاری هیدرونیمها

ساختار هیدرونیمها تابع قواعد زبان آن آبنامها است. یعنی همان طوری که کلیه کلمات را در زبان فارسی از نظر ساختار می توان ابتدا به کلمات ساده و مرکب تقسیم کرد، آبنامهای زبان فارسی را نیز به دو دسته آبنامهای ساده و آبنامهای مرکب می توان تقسیم کرد. البته آبنامهایی که از سایر زبانها درست شده اند، و یا عاریه گرفته شده اند می توانند با توجه به قوانین خاص آن زبانها با زبان فارسی متفاوت باشند، لیکن در اینجا توجه ما به طور عمده به آبنامهای زبان فارسی معطوف است. آبنامهای ساده آبنامهایی را گویند که از یک کلمه تشکیل شده اند و آبنامهای مرکب آبنامهایی هستند که از چندین کلمه ترکیب می شوند. در اینجا برای اینکه گروه بندی ما جامع بوده و کلیه آبنامهای ایران را دربرگیرد، آبنامها را به صورت زیر دسته بندی می کنیم. یعنی

آبنام‌های مختلف از نظر ساخت و عناصر تشکیل دهنده لغوی آن به صورت‌های زیر مورد استفاده هستند:

۱. آبنام‌های تک جزئی^۱

۲. آبنام‌های دو جزئی^۲

۳. آبنام‌های چند جزئی^۳

آبنام‌های تک جزئی	آبنام‌های دو جزئی	آبنام‌های چند جزئی
کارون	سپیدرود	دلوار قوچ خوس
کر	زاینده رود	دار رزن کان کئور
کرخه	جاجرود	دلوار بابا منیر
هراز	قوری کل	روبند عمرشاه
طغرل	چشمه شاه	هنام کاکا رضا
قتور	چم لاوین	گرمامیر حاج علی
کمبول	کال افغانی	دره قاضی کوچک
قینرجه	رود جراحی	خیره مسجد چای
اوجان	رود کرج	چم شیخ رواس
جوشان	آب نیزه	اوزون دره گویچه قیه
عوضی	رود بار	تک آب چاه زرد
چلبی	رزانچای	شاه بلاغ آرامنه
ریحان	زنجانرود	چم اخته سوره

جدول ساختاری آبنام‌های ایران

1. Single Component Hydronyms
2. Dual Component Hydronyms
3. Multi Component Hydronyms.

۱. آبنام‌های تک جزئی

به آبنام‌هایی اطلاق می‌گردد که از یک کلمه تشکیل شده‌اند. تعداد این اسامی در میان آبنام‌های ایران دارای کمیت قابل توجهی است. این‌گونه اسامی در ابتدای شکل‌گیری به صورت دوجزئی به کار برده می‌شدند، سپس به مرور زمان به دلیل استفاده مکرر و فراوان، جزء دوم آنها حذف و صرفاً به صورت یک کلمه به کار رفته‌است. این اسامی بیشتر شامل دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و عوارض حجیم می‌شوند. در اکثر موارد، جزء اول این نوع اسامی **اصطلاح هیدرو جغرافیایی**^۱ بوده‌است. اصطلاح هیدرو جغرافیایی کلماتی را گویند که معرف نوع مورد آبی هستند. در آبنام‌های ایران هنوز هم این‌گونه کلمات دیده می‌شوند؛ مانند چشمه، رود، نهر، آب، آبگرم، قنات کال، چم، چال، سو، بند، کاریز، کهریز، چای، جوی، بولاغ و

در برخی موارد اصطلاح هیدرو جغرافیایی به منظور تفکیک آبنام از سایر اسامی جغرافیایی تک جزئی با پیوستن به جزء دوم استفاده می‌شوند. در این‌گونه موارد کلمه معرف در ابتدای آبنام قرار می‌گیرد؛ مانند رودخانه دماوند (کوه دماوند، شهردماوند)، رودهراز (جاده هراز، کوه هراز). در این‌گونه اسامی اصطلاحات جغرافیایی رود، رودخانه، کوه، جاده و شهر به صورت مضاف بوده و با کسر تلفظ می‌شوند. این نوع اسامی را در توپونیمی **توپونیم‌های مشابه**^۲ می‌نامند.

ریخت‌شناسی^۳ آبنام‌های تک جزئی

اسامی تک جزئی از نظر ریخت‌شناسی دستوری و ماهیت واژه‌های استفاده شده به‌عنوان آبنام به انواع مختلف تقسیم می‌شوند. مشاهدات نشان می‌دهد که در بین آبنام‌های تک جزئی از اسم، صفت و اسم فعلی استفاده شده‌است. البته باید در نظر گرفت که استفاده از این واژه‌ها بدون در نظر گرفتن نوع آن است؛ یعنی این کلمات

-
1. Hydrogeographical Formant
 2. Homotonyms
 3. Morphology

صرفاً به عنوان اسم استفاده می‌شوند و نوع آنها از نظر مورفولوژی هیچ ارتباطی با کاربرد آنها ندارد.

آبنام تک جزئی اسم فعلی	آبنام تک جزئی صفت	آبنام تک جزئی اسم
ریزان	قتور (Qotur)	کارون
جوشان	فراخ	شتران
کفرآور	شیرین	ونک
اوجان (Uçān)	سفید	سنگ
قلیان (جوشان Qalyān)	لاغر	طغرل
قینرجه (Qeynarca جوشان)	نمکی	عرب
آیدوغموش (Äydoğmuş)	سیمین	سلمان
اوان (Ovan)	کلان (Kalān)	کاووس
چاپان (Çāpān)	عوضی	ریحان

جدول ساختار صرفی آبنام تک جزئی

۱. آبنام‌های متشکل از اسم

این نوع اسامی از نظر کمیت، تعداد قابل توجهی هستند. برخی از این اسامی اسم خاص بوده و معرف نام، لقب، تخلص و کنیه اشخاص است و گروه دیگر تنها اسامی عام هستند، مانند طغرل (Toğrol)، چلبی (Çalbi)، شیرین (۵)، چلیک (Çalik)، دز (Dez)، دلبر (Delbar)، زهار (Zohär)، کوند (Karand)، ریحان (Reyhän)، روبه (Rubah)، رامیان (Rämyän)، ریسو (Risu)، روس (Rus)، فدوک (Faduk)، شط (Şat)، گشکان (Gaşkän)، شیر (Şir)، شریفی، شتران (Şotorän)، ونک، کل، شاهپور، سوغان (Soğän)، سمنان، عرب، شیشه، سماق، نمکزار، هراز، سنگ، زرشک، سلمان، کی کاووس.

قابل توجه است که بدانیم در این اسامی میان مفهوم کلمه انتخاب شده و ماهیت آبنام ارتباط مستقیمی وجود دارد.

۲. آبنام‌های مشکل از صفت

این نوع آبنام‌ها اگرچه از نظر کمیت قابل توجه نیستند، اما در بین آبنام‌های ایران دیده می‌شوند و معنی صفت به کار رفته با ویژگی مورد آبی همسویی دارد؛ مانند فراخ، زرد، قتور (Qotur)، کمبول (Gömbol)، شیرین، کلان، لاغر، شور^۱ (۸)، سیاه (۶)، نمکی، سفید (۴)، شیدا (Şeydä)، سیمین (Simin)، قینرجه (Qeynarca) (۲)، سیمینه (Simine)، هار (Här)، عوضی (Avazi).

اندکی توجه به مفهوم اسامی نشان می‌دهد که در اکثر آبنام‌ها واژه‌گزین شده تصادفی نبوده و به نوعی با مفهوم آبنام مرتبط است. در اینجا شکل ظاهری، طعم آب، ماهیت فیزیکی، حجم، شدت و سرعت، شباهت، مفهوم مجازی، موقعیت مکانی، نوع کشت و محصولات منطقه و بسیاری مفاهیم دیگر دلالت بر انتخاب واژه دارد. در فصول بعدی، انواع مفاهیم در آبنام‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. آبنام‌های مشکل از اسم فعلی

این نوع آبنام‌ها نسبت به سایر انواع آن تعداد کمتری هستند و حالت یا شکل دینامیک جریان آب را نشان می‌دهند؛ مانند ریزان (Rizän)، آید و غموش (Äydoğmuş)، جوشان (۲)، اوان (Ovän)، کفرآور، اوچان (Uçän)، قلیان (Qalyän)، قینرجه (Qeynarca) (در زبان ترکی به معنی جوشان).

برخی از اسامی تک جزئی دارای جزء جدایی‌ناپذیری هستند که **توپوفورم**^۲ نامیده می‌شود. توپوفورم قسمتی از آبنام است که در ساختار صرفی زبان آن توپوفورم به صورت پیشوند یا پسوند مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پسوندها در شکل‌گیری آبنام‌ها نقش جداگانه‌ای ندارند و در درون آبنام به عنوان یک جزء جدایی‌ناپذیر کلمه به کار می‌روند. پسوندها و پیشوندهای توپوفورم موجود در ساخت یک آبنام، قابل جدا شدن

۱. این آبنام در مناطق ترک زبان SOZ و در مناطق فارس زبان SUR تلفظ می‌شود.

2. Topoform

از آن نیستند و در صورتی که از آن‌ها جدا شوند آن‌ها مصداق خود را از دست می‌دهد. در برخی از زبان‌ها مانند زبان انگلیسی علاوه بر پیشوند و پسوند به میانوند نیز برمی‌خوریم. توپوفورم‌های موجود در آن‌ها در ایران به صورت زیر مشاهده می‌شوند:

۱. پسوندهای توپوفورم

مشاهدات نشان می‌دهد که پسوندهای توپوفورمیک زیر در آن‌ها در ایران به کار رفته‌اند. البته استفاده از این پسوندها در اسامی نه به صورت یک واحد مستقل دستوری، بلکه به عنوان بخش جدایی ناپذیر آن‌هاست. برخی از پسوندهای رایج در آن‌ها در ایران عبارتند از: -ان، -ک، -داد، -ستان، -لاق، -زار، -لر(-لار)، -چی، -لو مانند شه‌داد (Şahdād)، قشلاق (Qışlāq, Qeşlāq)، آجرلو (Äcirlı)، دزگاه (Dezgāh)، دستجرد (Dastcerd)، هیسکان (Hiskān)، دستگرد (Dastgerd)، گیلان (Gilān)، گیلوان (Gilvān)، لارستان (Lārestān)، لردگان (Lordegan)، یونجه لی (Yoncālı)، یی‌راقلو (Yäpräqlı)، آلمالو (Älmālı)، قازان (Qāzān)، بله جوک (Beylacük)، کانی‌رش (Kānıraş)، شاختلو (Şaxtālı)، سماج (Sumāc)، زنگاون (Zangävən)، کرزچی (Kürzaçi)، سمبور (Sämbur)، شیروان (Şirvān)، شه‌جونج (Şahcunac)، چقلیق (Çaqlıq)، پیسلر (Pislar)، گولموچک (Gölmacak)، نمک‌زار، زنگلانلو (Zəngānlı)، زنگبار (Zangibār)، زنگمار (Zangimār)، زنگلی (Zangali)، دیزج (Dizac)، سملقان (Səməlqān)، سنگون (Sangun)، بالقلو (Bālıqlı)، سوقانچی (Soqānçı)، عروسان.

برخی از پسوندها دارای مفهوم جغرافیایی، مکانی و توپونیمیکی هستند. برای مثال پسوند -ستان و -ان در اسامی مفهوم مکان را می‌رساند؛ مانند کردستان، بلوچستان، لارستان. برخی از این پسوندها وجود چیزی یا فراوانی محصول کشاورزی یا سایر مواد را بیان می‌کنند؛ مانند آلمالو، نمک‌زار که پسوند اولی (لی و لو) در زبان ترکی و پسوند دومی (زار) در زبان فارسی مترادف بوده و به معنای پر از درخت سیب و پر از نمک هستند. البته معنی پسوندها در کاربرد توپونیمی و هیدرونی‌ها با مفهوم آن‌ها در

سایر حالت‌های دستوری و جاها متفاوت است. پسوندها به طور وسیع در آبنام‌های ایران مشاهده می‌شوند.

۰۲ پیشوندهای توپو فورم

مشاهدات ما نشان می‌دهد که در آبنام‌های ایران پیشوندها نیز به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر اسامی موردهای آبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از پیشوندهای رایج در آبنام‌های ایران عبارتند از با، بی، پیش، پس مانند باکوه (Bākūh)، بی‌بیان (Bibayn)، پسرود (Pasrud)، بی‌منجگان (Bimancegān)، بیلو (Bilu)، پیشامگ (Pišāmak)، پیش‌رودبار (Pišrudbār).

پیشوندها نیز مانند همتایان پسوند خود به طور تصادفی در واژه‌ها وجود ندارند و در بیشتر مواقع در انتخاب کلمه به عنوان توپونیم یا آبنام، نقش اصلی را دارا هستند. برخی از پیشوندها دارای مفهوم مکانی هستند و برخی دیگر عدم فراوانی یا عدم وجود خصوصیتی را در یک آبنام نشان می‌دهند و دلیل انتخاب آنها به عنوان آبنام نیز همین ویژگی معنایی آنهاست.

آبنام‌های دوجزئی

آبنام‌های دوجزئی به هیدرونیم‌هایی اطلاق می‌گردد که در آنها از دو کلمه یا واژه مستقل استفاده شده است؛ مانند سپیدرود (Sepidrud)، زاینده‌رود (Zäyanderud)، سد کرج، سدلتیان، لاکم پیچ (Läxompiç).

اسامی دوجزئی از نظر نوشتاری دو دسته هستند: گروه اول، اسامی که باید به هم چسبیده نوشته شوند و نباید فاصله میان دو جزء آن باشد. در این نوع اسامی جزء دوم در اکثر مواقع اصطلاح هیدرو جغرافیایی یا اصطلاح جغرافیایی است. گروه دوم، اسامی دوجزئی که دو جزء آن نباید چسبیده نوشته شوند. در این نوع اسامی برخلاف گروه اول اصطلاحات جغرافیایی و هیدرو جغرافیایی در بخش اول واقع می‌شوند.

آبنام دوجزئی چسبیده	آبنام دوجزئی جدا از هم
سپیدرود	قناتِ کوثر
جاجرود	آبِ سردار
دریاسر	رودِ کرج
زاینده رود	چشمه آقبولاق (Çeşme ağbuläğ)
آقچای (Äğçäy)	قنات خانم گلی (Qanat xanım göli)
ساریسو (Sārīsu)	قنات علی خاتون (Qanat âlixatın)

جدول نگارش آبنام‌های دوجزئی

بررسی‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد که روند حرکت اسامی از گروه دوم به سمت گروه اول است؛ یعنی اسامی که از دو جزء به وجود آمده‌اند، ابتدا به صورت جدا از هم تلفظ و نوشته می‌شدند، سپس این اسامی به صورت چسبیده به هم و به عنوان یک اسم مرکب به کار رفته‌اند. بررسی تطبیقی توپونیم‌ها و آبنام‌های ایران نشان می‌دهد که آبنام‌ها در ابتدای شکل‌گیری و گزینش اسم معرف یا اصطلاح جغرافیایی که نوع عارضه را نشان می‌دهد به همراه اسم به کار می‌رفته‌اند. بعدها برخی اسامی به علت کاربرد بیشتر و عدم نیاز به استفاده از اصطلاح جغرافیایی اصطلاح مذکور حذف، و آن نام بتنهایی به کار رفته است؛ مانند دجله (Decle)، فرات (Fart)، ارس (Aras)، کارون (Karun)، کرخه (Karxe)، اترک (Atrak)، تاجن (Tacan)، کر (kor)، هیرمند (Hirmand). در برخی اسامی جزء دوم به جزء اول چسبیده و به صورت یک اسم مرکب به کار می‌روند؛ مانند سپیدرود، ساریسو (Sārīsu)، آقچای (Äğçäy)، زاینده‌رود، جاجرود (Cäcrud)، هلیلرود (Halilrud).

اصطلاح جغرافیایی که نوع عارضه را نشان می‌دهد اغلب برای تمیز یک آبنام از سایر توپونیم‌ها و اسامی جغرافیایی به اول آنها اضافه می‌شود. این اصطلاح نباید به کلمه بعدی بچسبد و همیشه باید جدا نوشته شود. گاهی ترکیبات نامانوسی نیز در این میان دیده می‌شوند؛ مانند رودِ زاینده رود، رودِ آقچای، رودِ سپیدرود، رودِ سیاهرود.

آبنام‌های دو جزئی را با توجه به وجود واژه‌های گوناگون در ترکیب آن به چند گروه به صورت زیر تقسیم می‌کنند:

۱. آبنام حاوی اصطلاح هیدروجغرافیایی

۲. آبنام حاوی اصطلاح جغرافیایی

۳. آبنام بدون اصطلاح

آبنام دوجزئی بدون اصطلاح	آبنام دوجزئی با اصطلاح جغرافیایی	آبنام دوجزئی دارای اصطلاح هیدروجغرافیایی
بابا احمد	آلوچال	کالرود
کروسی کئور	اوزوندره	اورگانچای
گی مُرد	تنگل گور	قلعه چای
لاک تراشان	کوه پست	ولمرود
لجام گیر	سفیدباغ	لنگرود
مشهد محمد	کریم آباد	موسی نهر
ملاروبا	کرم بخش	بندقتور
موجاگوش	بتاهرکلا	تول چشمه
سیاه کور	دیوآسیاب	تاش بلاغ

جدول آبنام‌های دوجزئی به همراه اصطلاحات جغرافیایی

۱. آبنام دوجزئی که یک جزء آن اصطلاح هیدروجغرافیایی است.

در این اسامی اصطلاحات هیدروجغرافیایی مانند تالاب، گل، رود، گؤل، چشمه، آب، سیلاب، چم، کال، بلاغ، سو، چایلاق، چای، آبگرم، نهر و... بخش دوم را تشکیل می‌دهند. این نوع اصطلاحات که می‌تواند به زبان‌های گوناگون رایج در کشور

باشد به بخش اول می‌چسبند و نباید جداگانه نوشته شوند؛ مانند جاجرود (Cäcrud)، دوآب (Dob)، سه‌سنگ (Sesang)، اهرچای (Aharçäy)، ساوه چایلاق (Säve çaylâq)، قوریگل (Qürigöl)، تاش‌بلاغ (Täşbulâğ)، شط‌العرب (Şate Arab)، تخته یورد (Täxtäyurd)، سووقسو (Sävuqsu)، میرجان سویی (Mircan suyi)، سرچشمه (Sarçeşme)، باهوکلالت (Bähukalät)، هفت‌چشمه (Haftçeşme)، نهر اعظم (Nahre azam).

در برخی آبنام‌ها یک جزء اصطلاح هیدرو جغرافیایی و جزء دوم اصطلاح جغرافیایی هستند. این نوع اسامی را بیشتر در مناطق غیرفارسی زبان می‌توان دید؛ مانند گرمچای (Garmçäy)، کال‌آلبلاغ (Käle älbülâğ)، کال تجرود (Käle tacrud).

در صورتی که اصطلاح هیدرو جغرافیایی مثل رود، چشمه، چم، آبگرم، کال در آبنام‌های دو جزئی یا چند جزئی قبل از بخش نخست قرار گیرد، باید به صورت اضافه تلفظ شود؛ مانند رود کرج، رود سپیدرود، رود زاینده‌رود، رود نکا، چشمه شاه، رود جراحی (Rude carähi)، چشمه عین الرشید، چشمه شفا، آبگرم باشکندی (Äbgarme başkandi)، آبگرم بستان آباد، آبگرم گنرال (Äbgarme generäl)، کال بزرگ (Käle bozorg)، کال باغ قره (Käle bäğeqara)، چم کوران (Çame kurän)، چم کس نزان (Çame kasnazän)، کال افغانی، چم لاوین، چم مرخوز (Çame marxuz).

در برخی از آبنام‌ها اصطلاح هیدرو جغرافیایی چشمه در اول آبنام می‌آید و به صورت اضافه تلفظ نمی‌شود؛ مانند چشمه اعلا (Çeşmeaâl). این‌گونه اسامی که تعداد آنها بسیار اندک است، اسم مرکب هستند و نباید جدا نوشته شوند.

در برخی مناطق کشورمان با توجه به بافت دستوری زبان‌های رایج در آن مناطق اصطلاحات جغرافیایی در ابتدای اسم قرار می‌گیرند. این اسامی بیشتر در مناطق کرد زبان، طوالش، استان گیلان و مازندران دیده می‌شوند؛ مانند آب باریک (Äbbärik) (رود)، آب پرومه (Äbperume) (رود)، رود بار (Rudbär) (رود)، آب نیزه (Äbneyze)، آبشور (Äbşur) (رود)، رود خشکه کلالی (Rudxoşke kaläli)

(رود)، رودشور کدکن (رود)، آب شیرین (رود)، آب گوگردی (چشمه)، آب سیاه (چشمه) (Äbsiyäh)، چشمه اعلا (چشمه - دماوند).

در مناطق ترک زبان نیز برخی از اصطلاحات هیدروجغرافیایی را قبل از جزء اصلی ثبت نموده‌اند که از نظر دستوری اشتباه فاحش است و باید بعد از نام اصلی نوشته شوند؛ مانند چای رزان (رود رزان)، چای ساریک (رود ساریک)، چای قره تپه (رود قره تپه). به‌طور کلی در همه اسامی جغرافیایی ترکی کلیه اصطلاحات هیدروجغرافیایی مثل چای، چایلاق (çaylâq)، بلاغ (bulâğ)، دنیز (daniz)، کهریز (kahriz)، گؤل (göl)، سو (su)، آرخ (Ärx) و چشمه بعد از جزء اول می‌آیند؛ مانند ایسیسی سو (İssi su). نمونه‌های فوق نشان می‌دهد که آب‌نام‌های ذکر شده ترجمه شده‌اند و شکل درست آنها به‌صورت رزانچای (Razançây)، ساریکچای (Sârikçây)، قره تپه چای (Qaratapaçây) است.

۲. آب‌نام‌های دوجزئی که یک جزء آن اصطلاح جغرافیایی (معرف سایر عوارض) است.

این آب‌نام‌ها اغلب از یک توپونیم موجود گرفته شده‌اند. در این نوع اسامی اصطلاحات جغرافیایی مانند شهر، کوه، دره، دشت، تنگه، بالا، پایین، سفلی، علیا، قلعه، یوخاری (yuxârı)، اورتا (ortâ)، آشاگی (äşâğı)، قمیش (qamış) و ... بدون توجه به معنای واقعی آنها به عنوان بخش اول یا بخش دوم مورد استفاده قرار می‌گیرند. اصطلاحات جغرافیایی در این اسامی معرف نوع عارضه نیستند. مشاهدات نشان می‌دهد که اصطلاحات جغرافیایی مربوط به سایر زبان‌های رایج در ایران نیز در شکل‌گیری و انتخاب آب‌نام‌ها نقش دارند. بیشتر آب‌نام‌های مشابه یا مترادف از این نوع هستند. آب‌نام رایج با توجه به اصطلاح جغرافیایی آن به دو دسته هستند:

الف. آب‌نام دوجزئی با اصطلاحات جغرافیایی خاص مناطق مسکونی

ب. آب‌نام دوجزئی با اصطلاحات جغرافیایی خاص پستی و بلندی‌ها

آبنام با اصطلاح اورو نییم	آبنام با اصطلاح اویکونییم
دره غار	قلندرآباد
دره شهر	دره شهر
فیروز کوه	سلطان میدان
چاه متک	رحمت آباد
نوغون دره	قلعه زرد
تنگه چال	عشایرییلاقی
گرمابدشت	تنگ کوشک
دشت پلنگ	چاه کند
هزارمیشه	چم آقکند
چاه اعلا	شهرچای

جدول هیدرواویکونییم و هیدرواورونییم

الف. آبنام‌هایی که بخشی از آنها از اصطلاحات اویکونییم^۱ (نام مناطق مسکونی) مانند ده، شهر، کند، قلعه، آباد، ییلاق، قشلاق، اوبا، روستا و ... درست شده‌اند و در آنها این نوع اصطلاحات به کاررفته است. این اصطلاحات جغرافیایی یا معرف نام یک منطقه مسکونی هستند، یا در آنها واژه‌ها یا پسوندهای خاص اسامی مناطق مسکونی مانند شهر، ده، کلا (kolä)، آباد، قلعه، ستان، کلات (kalät) و ... به کاررفته است؛ مانند شهر نو(۲)، شهرچای (Şaharçäy) (۲)، ده سیدها، ده شیخ، ده محمدشاه، ده میرزایی، ده ملک، ده کهنان، شهرستانک، طالقان رود، صلوات آباد، علی آباد(۳)،

1. Oikonym or Oykonym

عشایر بیلاقی، قلندرآباد، قلعه بید، قره‌قشلاق (Qaraqışlāq) (تالاب)، قلعه پدا، قلعه چای (۲)، قلعه دنه، قلعه واقی، قلعه موئی، قلعه سیستان و قلعه زرد.

ب: آب‌نام‌هایی که بخشی از آنها از اصطلاحات اورونیم^۱ (پستی و بلندی‌ها) یا از واژه‌های مخصوص اورونیم‌ها مانند دشت، صحرا، دره، کوه، تپه، کتل، داغ (däg)، چول (çöl)، صحرا، چم، دوز (düz) و ... درست شده‌اند. آب‌نام‌هایی که در آنها این نوع اصطلاحات به کار رفته‌اند عبارتند از: سبزکوه (رود)، سپیددره (رود)، تنگل قلعه جوق (Tangale qälāciq) (رود)، درهٔ گلال (رود)، درهٔ مرغ‌خوان (رود)، کلاتهٔ احمد (رود)، کوه پست (رود)، کوه سیاه (رود)، کبوتردره (رود)، کرکل دره (رود) دشت پلنگ، دشت روم، دشت هور.

۳. آب‌نام‌های دو جزئی که هیچ‌کدام از اجزاء آن از اصطلاحات جغرافیایی یا هیدرو جغرافیایی نیست.

این نوع اسامی از نظر تعداد کمتر از سایر اسامی هستند و تعداد قابل توجهی را تشکیل نمی‌دهند، زیرا تلفظ اسامی مرکب پیچیده است و زبان‌ها به راحتی بیان تمایل بیشتری دارند؛ مانند سور دزگیلی (Sure dazgili) (رودخانه)، سنگ‌سیاه (رودخانه)، گاوخونی (باتلاق)، زاب کوچک (رود)، علی‌ظهوران، قاضی کئور (Qäzi gäur)، قره چریان (Qara çaryän)، کند حصار (Kandhäsär)، کنه‌کبود (kane kabud)، لخم‌پیچ (Läxom piç)، مزار گزیک (Mazär gazik)، منزن کئور (Manzan gäur).

آب‌نام‌های این گروه از نظر املائی دو نوع هستند: دسته اول، اسامی که باید به هم چسبیده نوشته شوند؛ مانند سعدآباد (رود)، بادکُش (Bädkoş) (رود)، سربند (Sarband)، برادوست (Barädust) (رود)، خوفنام (Xofnäm). دسته دوم، اسامی که باید جدا از هم نوشته شوند؛ مانند کرم بخش (رود)، موجا گوش (Mucä guş)، ایزد خواست (Izad xast)، قاضی کئور (Qäzi gäur)، کاکارضا (Käkä Rezä)، کروسی کئور (Karusi gäur).

ریخت‌شناسی آبنام‌های دوجزئی

آبنام‌های دو جزئی از نظر ریخت‌شناسی و حضور واژه‌های گوناگون یک زبان به چند گروه تقسیم می‌شوند:

آبنام دوجزئی اسم + قید	آبنام دوجزئی اسم + صفت	آبنام دوجزئی اسم + اسم
تنگ جلو	آب باریک	کلیبرچای
آب مسلخ	زاب کوچک	تخته یورد
زو پایین	گذار خوش	بابااحمد
سهند پایین	گذار پهن	شیرمرغ
ده بالا	گورسفید	عسلشاه
کته پشت	گاو کج	علی‌ظهوران
ده وسطی	قوش عظیم	کروسی کئور

جدول ساختار صرفی آبنام‌های دوجزئی

۱. آبنام‌های دوجزئی مرکب از اسم + اسم

این نوع اسامی بیشتر آبنام‌هایی هستند که در آنها یا اصطلاح جغرافیایی به‌کاررفته، یا اصطلاح جغرافیایی همیشه به عنوان جزء دوم به‌کاررفته است؛ مانند دزکرد (Dezkord)، شاه‌ولی (Şahvali)، شیرمرغ (Şiremorğ)، دلوار گلگاه (Delväre golgäh)، عسلشاه (Asalşäh)، سلطان میدان (Sultänmeydän)، علی‌ظهوران (Alizahurän)، کروسی کئور (Karusigäur)، گیلال کورگه (Giläl kurge)، امامزاده اسماعیل، میرسعیدی (Mirsaidi)، سجادرود، گنگرود (Gangarrud)، کولوک قلعه (Kulluk qala)، تخته یورد (Taxtayurd)، کلیبرچای (Kaleybarçäy)، سجاجس‌رود (Sacäsруд)، الموت‌رود، النق‌چای (Alnaqçäy)، التماس‌دره‌سی

(Iltimäs darasi)، اروندرود (Arvandrud)، اسکوچای (Usäguçäy)، ارموت ارگیل (Armutargil).

کلیهٔ آبنام‌های دوجزئی ترکی بویژه آن اسامی که جزء دوم آنها اصطلاح جغرافیایی یا هیدروجغرافیایی است به این دسته تعلق دارند و براساس قواعد نوشتاری زبان ترکی و زبان آذربایجانی باید چسبیده نوشته شوند. بنابراین ثبت آبنام‌های آجی چای (Äciçäy)، آری چای (Äriçäy)، یکان چای (Yekänçäy)، اوزون دره (Uzundara)، قازان چای (Qäzänçäy) و ... اشتباه است. در زبان‌های ترکی این نوع اسامی جزء ترکیب‌های نوع اول، یعنی از سه نوع ترکیب موجود در این زبان‌ها بوده باید به هم بچسبند.

همچنین، در ترکیب‌هایی که فاقد اصطلاح جغرافیایی هستند کلمات باید به هم چسبیده و به صورت اسم مرکب نوشته شوند. نگاهی به کتب اسامی جغرافیایی نشان می‌دهد که در این مورد فرهنگ‌های ما دارای نظام واحدی نیستند و این‌گونه اسامی به صورت سلیقه‌ای ثبت می‌شوند. برای مثال نام‌های جغرافیایی چهارکال (Çähärkäl)، چهل گذر (Çelgozär)، آسیاب رود، افراخته (Afrätaxte)، چیخواب (Çixäb)، علی‌زان (Älizän)، بابامنیر (Bäbämonir)، کروسی کئور، گامشاندر (Gämşändar)، بابا احمد، ایراندگان (Irändegän) برخی به هم چسبیده و برخی جداگانه نوشته شده‌اند.

۲. آبنام‌های دوجزئی مرکب از اسم + صفت

در این اسامی بخش اول باید با کسره اضافه تلفظ شود؛ مانند آب باریک (Äbe bärük) سنگ سیاه، کم سفید، کوه سیاه، زاب کوچک، گورسفید، آب جوش، آب تلخ، گاوکج، گدار پهن، گدار خوش.

برخی از آبنام‌های این گروه بدون کسره تلفظ می‌شوند. این‌گونه اسامی متعلق به زبان‌های غیرفارسی و محلی هستند. این نوع اسامی در مناطق گیلان، مازندران و مناطق کرد زبان و ترک‌زبان بیشتر مشاهده می‌شوند؛ مانند آب سفید (Äbsefid)،

قوش عظیم (Quşazim)، قلعه‌وش (Qalevəş)، قناق قیران (Qonaqıra)، قطار بلاغی (Qätärbuläği)، قطار النگ (Qatäre alang).

۳. آبنام‌های دوجزئی مرکب از اسم + قید

تعداد این نوع اسامی کمتر از سایر گروه‌هاست. در این نوع اسامی، جزء دوم موقعیت مکانی آبنام را نشان می‌دهد. اکثر این اسامی به صورت موازی استفاده می‌شوند و جزء اول مشترک بوده و جزء دوم محل قرار گرفتن آبنام را نسبت به آبنام مشابه خود نشان می‌دهد؛ مانند آب مسلخ، تنگ جلو، کاسیان پایین (Käsiyän päyin)، کته‌پشت (Kote pošt)، زو پایین، سهند پایین، شایع پایین، ده بالا، ده وسطی.

آبنام دوجزئی قید + صفت	آبنام دوجزئی قید + اسم	آبنام دوجزئی صفت + اسم
پا شوران	پشت رود	تلخاب
پا سفیدان	پس رود	شورسو
پشت تنگ	بالا جاده	شیرینبولاغ
پشت پر	پا طاق	ایستی سو

جدول ساختار صرفی آبنام‌های دوجزئی

۴. آبنام‌های دوجزئی مرکب از صفت + اسم

بیشتر آبنام‌های مناطق ترک زبان یا اسامی‌ای که منشاء آنها زبان ترکی است از این نوع هستند. اما در سایر مناطق ایران نیز به این گروه از اسامی برمی‌خوریم، مانند تلخاب (۷)، تلخ‌رود، تلخه رود، تک چاه، ترشاب (۳)، آق‌جهرود (Äğcärud)، دلی‌چای (Daliçäy)، شیرین‌رود (Şirinrud)، ساری سو (Särisu)، زلیبیر چای (Zilbirçäy)، گردبیشه (Gordbişe)، گرم چای، گرم رود، قاراکهریز (Qärākahriz)، شورسو (Şorsu)، شورچای (Şorçäy)، شوراب (Şuräb) (۷)، ایستی

سو (İstisu)، بیوک چای (Böyükçay)، کچ کال (Kackäl)، زرین گل (Zərringöl)،
قرنقوچای (Qäränquçay)، زردآب، زرینه رود.

۵. آبنام‌های دوجزئی مرکب از قید + اسم

تعداد این آبنام‌ها کمتر از سایر انواع دیگر است؛ مانند پسرود (Pasrud)، بالارود (Bälärud)، پایین در، پشت پیر (Poştpir) (پیر در اینجا به معنای محل مقدس است)، پشتگر، پاتاق (Pätäq)، پشترود (Poştrod)، بالاجاده، بالارود، پایین شهر.

۶. آبنام‌های دوجزئی مرکب از قید + صفت

این نوع آبنام‌ها نسبت به سایرین کمتر مشاهده می‌شده و جزء اول موقعیت مکانی آبنام را می‌رساند؛ مانند پاشوران (Päşürän) (پا یا پای محل قرار گرفتن)، پشت‌پُر (Poştpor)، پاسفیدان (Päsefidän)، پشت تنگ (Poştetäng).

آبنام‌های چندجزئی

برخی از آبنام‌های ایران که تعداد آنها در بین اسامی موردهای آبی دارای تعداد کمتری است، اسامی سه یا چند جزئی‌اند؛ مانند دلوار پیرسرخ (Delvare pire sorx)، دلوار کوه سیاه (Delvare kuhe siyäh)، دو دره گزنان (Do darre gaznän)، آب دره کمران (Äb darre kamrän)، آب دو آب، چمهاله کوکان (Çame häle kukän)، آب دره گاومیشی، آب دره کولاه، سعیدآباد چای، امیر دیزه چای (Amirdiza çay)، چم‌شیخ رواس، قره‌آغاج چای (Qaraägäc çay)، سیاه آب‌آدران (Siyäh äbdarän)، آب تنگ دز، کال پنج چاهی، اسب نیزه رودبار، گلال چم خره پالنگان (Gall çame xare pälängän)، کال چاه محمدخان، کال چشمه سفید، کال خواجه انجیره، کال دره جین آباد، گلال چیقاچلام (Gall çiqä çaläm)، آب سیاه پلاس (Äbe siyähe paläs)، آب مشک عنبر (Äbe moşke anbar) و

این اسامی به دو گروه تقسیم می‌شوند: اسامی‌ای که دارای اصطلاح جغرافیایی بوده و اسامی‌ای که فاقد اصطلاح جغرافیایی هستند.

آبنام چند جزئی بدون اصطلاح جغرافیایی	آبنام چند جزئی با اصطلاح جغرافیایی
دلوار قوچ خوس	آق بلاغ چای
دلوار بابا منیر	تک آب چاه زرد
دلوار پیر سرخ	تلخه رود زنجان
دربند ارغوان شاه	آب مدام آباد
هنام کاکا رضا	شاه بلاغ آرامنه
روبند عمرشاه	تک کوه سفیدک
دار رزن کان کئور	اوزون دره گویچه قیه
گرمامیر حاج علی	تنگ بهرام کش

جدول آبنام چندجزئی و اصطلاحات جغرافیایی

۱. آبنام چندجزئی که یک یا دو جزء آن اصطلاح جغرافیایی است.

اسامی جغرافیایی چند جزئی در کلیه مناطق کشور دیده می‌شوند. این نوع اسامی از نظر شکل‌گیری نسبت به سایر اسامی متاخرتر و جدیدتر هستند. در اینجا اصطلاح هیدرو جغرافیایی یا جغرافیایی می‌تواند در بخش اول، دوم و یا سوم قرار گیرد، مانند آب‌مدام‌آباد (Äbe modäm äbäd)، آق بلاغ چای (Äq buläğ çäy)، اوزون دره گویچه قیه (Uzun darə göyca qaya)، تک آب چاه زرد، تک کوه سفیدک، تلخه رود زنجان، تنگ دشت بهمن، تنگ بهرام کش (Tange bahräm koş)، چم اخته سوره، شاه بلاغ آرامنه (Şähbuläğ arämene).

در برخی از آبنام‌های چندجزئی اصطلاحات هیدرو جغرافیایی مترادف با دو منشاء زبانی مختلف مورد استفاده هستند؛ یعنی در یک واحد هیدرونی‌م دو اصطلاح مشابه ولی به دو زبان مختلف در کنار هم یا باهم به کار رفته است؛ مانند چای خررود

(Çäye xarrud) (رودی در قزوین و درساوه)، آبگرم ایسی سو (Äbgarme issi su)، چشمه شور بلاغ (Çeşmeye şorbuläg). در اینجا اصطلاح چای با رود چشمه با بلاغ و ایسی سو با آبگرم مترادف است. در بعضی اسامی چندجزئی دواصطلاح هیدروجغرافیایی یا جغرافیایی مربوط به یک زبان دیده می‌شود؛ مانند چینی بلاغ چای (Çini buläg çäy)، تنگ دشت بهمن (Tange dašte bahman).

۲. آبنام چندجزئی که هیچ یک از اجزاء آن اصطلاح جغرافیایی نیست.

در میان آبنام‌های ایران اسامی چندجزئی فاقد اصطلاح هیدروجغرافیایی یا جغرافیایی کمتر دیده می‌شوند؛ مانند دلوار قوچ خوس (Delväre quçe xus)، روبند عمرشاه (Rubande omarşäh)، دلوار پیرسرخ، دار رزن کان کئور (Däre razan kân gäur)، دلوار بابا منیر، دربند ارغوان شاه، هنام کاکا رضا (Honäme kākä rezä)، گرمامیر حاج علی (Garmämire häc âli).

ریخت‌شناسی آبنام‌های چندجزئی

آبنام‌های چندجزئی به دلیل عدم امکان ترکیب عناصر مختلف صرفی دارای تنوعات گوناگون نیست و ترکیباتی مثل قید + قید + قید یا صفت + صفت + صفت امکان‌پذیر نیست. رایج‌ترین نوع ترکیب اسم + اسم + اسم یا صفت + اسم + اسم و یا اسم + اسم + صفت است؛ مانند دلوار بابامنیر، خیره مسجدچای، چم شیخ رواس، دره قاضی کوچک، سیل مال گنداب، سیاه مرز کوه، کال شور پایین جام، کال شور تکاب، کال شش دونگ، کال شش نمکی.

فصل ششم

ترکیب هیدرونیم

عناصر لغوی تشکیل دهندهٔ آبنامها

هر اسم جغرافیایی، مفهومی را می‌رساند. اگر نامی برای ما ناآشناست، یا به نظر بی‌مسماء می‌آید، بدان دلیل است که ما آن را نمی‌دانیم و با زبان پنهان در آن نام آشنا نیستیم. هیچ نام بدون مفهومی در روی کره زمین وجود ندارد.

هرگاه معنی برخی از اسامی‌ای که بسیار رایج هستند و در کتب و نوشته‌ها به آنها برمی‌خورد و به کار می‌بریم از ما پرسیده شود، در پاسخ به آن عاجز خواهیم ماند و برای راحتی کار خود آن را به‌گونه‌ای عوامانه تعبیر می‌نماییم؛ برای مثال هراز یعنی چه؟ کارون چه معنایی می‌دهد؟ دریاچهٔ پریشان چرا پریشان است؟ و بسیاری نام‌های دیگر. آنها چگونه به وجود آمده‌اند؟ آیا اولین ایرانی به محض دیدن یک مورد آبی با فریاد نامی را برای آن انتخاب نموده است، یا دیگران به خاطر اقامت در کنار آن مورد آبی نامی را بدان مورد آبی اطلاق نموده، اصولاً انسان بلافاصله پس از سکنی در جایی یا استفاده از یک پدیده جغرافیایی بر آن نام می‌گذارد. این روند پس از مدتی با توجه به عوامل

طبیعی - جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی رخ می‌دهد. انسان پس از شناخت محیط بر یک عارضه جغرافیایی با توجه به خصوصیات آن یا علائق خود نامی را انتخاب می‌نماید. آبنام‌ها را با توجه به کلمات استفاده شده و مفهوم آن کلمات که بیانگر خصوصیت آن هیدرونییم‌هاست به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱. اتنوهیدرونییم‌ها (Ethnohydronyms)
۲. فیتوهیدرونییم‌ها (Phytohydronyms)
۳. زووهیدرونییم‌ها (Zoohydronyms)
۴. میتوهیدرونییم‌ها (Mythohydronyms)
۵. کاسموهیدرونییم‌ها (Cosmohydronyms)
۶. آنتروپوهیدرونییم‌ها (Anthropohydronyms)
۷. مموهیدرونییم‌ها (Memohydronyms)
۸. پاتروهیدرونییم‌ها (Pathrohydronyms)
۹. اوروهیدرونییم‌ها (Orohydronyms)
۱۰. اویکوهیدرونییم‌ها (Oykohydronyms)
۱۱. هیدروهیدرونییم‌ها (Hydrohydronyms)
۱۲. تئوهیدرونییم‌ها (Theohydronyms)
۱۳. اوموهیدرونییم‌ها (Omohydronyms)
۱۴. هیدرونییم‌های عاریه (Granthydronyms)
۱۵. هیدرونییم‌های مجازی (Metaphoric Hydronyms)

نوع آبنام	مثال برای آبنام
اتنوهیدرونییم	گرجی، عرب، بختیاری، ارمنی جان
فیتوهیدرونییم	بیدمشک، سنجدچای، سارمساقلو
زووهیدرونییم	پلنگی، مارچشمه، ماهی رود، بز رود
میتوهیدرونییم	فریدون، سلم، نم رود، کاوه رود
کاسموهیدرونییم	زهره، شهاب، آیدوغموش
آنتروپوهیدرونییم	حسن لنگی، خان زمان، حاجی کوچی
مموهیدرونییم	سد امیرکبیر، طهماسب قلی، طغرل
پاتروهیدرونییم	قنات محمدخان، قنات خواجه میرخان
اوروهیدرونییم	کال رشتخوار، کال قبرستان، شوربافق
اویکوهیدرونییم	زنجانرود، اهرچای، رودکرج، رودآمل
هیدروهیدرونییم	سد کارون، سدکرج
تئوهیدرونییم	موسی نهر، امامزاده اسماعیل
اوموهیدرونییم	رودقم، رودکرج، رودنسا
هیدرونییم عاریه	سدکرج، سدکرخه
هیدرونییم مجازی	دروغ زن، واویلا، کفرآور

جدول آبنام‌ها با توجه به معنای اجزای آن

اتنوهیدرونییم‌ها

زبان‌شناسان معتقدند که نام برخی از هیدرونییم‌ها از نام طوایف و قبایل ساکن در حوض و حوش آن مورد آبی گرفته شده است. به این اسامی در ادبیات زبان‌شناسی اتنوهیدرونییم می‌گویند؛ مانند دریای خزر (که از نام طایفه خزر گرفته شده است)، عرب، جعفری (رودخانه)، بختیاری، کردان، کنگررود (Kangarrud)، کوسه لو (Kosälı)، نهر خلیج (Nahre xalac)، عباسلو، گرجی، کنگری، کنگر، عبدل آباد، ارمنی جان.

فیتوهیدرونیم‌ها

اسامی موردهای آبی‌ای را که از نام نباتات و گیاهان موجود در یک منطقه گرفته شده باشند در اصطلاح فیتوهیدرونیم گویند. مفهوم و اطلاق این نوع اسامی نشان‌دهنده وضعیت و نوع جغرافیای طبیعی آن منطقه است. جمع‌آوری هیدرونیم‌های مناطق مختلف ایران ساختار کشاورزی آن مناطق را در سال‌های گذشته روشن می‌سازد زیرا اکثر این اسامی قدیمی هستند؛ مانند بیدمشک (رود)، ترپ، تنگل سنجدچای، یرپاقلی (Yärpäqlı)، سوقانچی چای (Soqänçıçäy)، زرشک، سماق درخت بید (رود)، تیغ‌زرد، سوغان (Soğän)، یونجه لی (Yoncäli)، سارمساقلو (Särımsäqlı)، ده اسفند، انجیر بویه، کاهو، انار، آلمالوداش (Älmälıdäş)، انارستان، اناررود، ایگدلو (İdäli)، بوغداکندی (Buğdäkändi)، بنی تاک، بید، بیدآباد.

زووهیدرونیم‌ها

بعضی از اسامی موردهای آبی که از نام حیوانات و پرندگان و جانوران آن منطقه گرفته شده. این اسامی در برخی موارد وجود آن نوع حیوانات را در آن منطقه می‌رسانند. در برخی اسامی نام حیوانات در معنای مجازی به کار رفته و معانی مختلفی را داراست؛ مانند گاورود (در این نوع اسم کلمه گاو به معنای بزرگ است^۱)، پلنگ رود، پلنگ دره، کوه باز (رود)، پلنگی، مارسار، ایلان کش (İlän koş)، مارچشمه، مادیان رود، ماهی رود، سی میش، رود نهنگ، آهو (رود)، بالخلو (Bälıxlı)، بالیقلوچای (Bälıqlıçäy)، بز رود، بزآباد.

۱. مدبری، محمد، کوههای ایران، مجله چپستا، سال هشتم شماره ۲، آبان ۱۳۶۹، صص ۲۶۹-۲۷۴.

میتوهیدرونیم‌ها

اسامی را که از اسطوره‌های کهن تشکیل شده یا در آن از کلماتی که بیانگر اسطوره‌ها هستند استفاده شده باشد در اصطلاح میتوهیدرونیم می‌گویند. این اسامی در درون خود مفهوم عظمت، بزرگی، مقاومت، جاودانگی و سایر مفاهیم اسطوره‌ای را تداعی می‌نمایند و قدمت نامگذاری آنها نسبت به سایر آبنام‌ها بیشتر است؛ مانند فریدون، کاوه رود، سلم، کیکاووس، شاه بهرام، گاماسیاب، سمبورچای (Sāmburçäy) (از نام سام گرفته شده است)، نمرود.

کاسموهیدرونیم‌ها

برخی از آبنام‌ها معرف اجرام سماوی هستند. در این نوع هیدرونیم‌ها از کلماتی مانند ماه، خورشید و ستاره استفاده شده و اکثر آنها نمادی اعتقادی هستند. این نوع آبنام در عوارض آبی کوچک مثل چشمه، نهر و قنات بیشتر مشاهده می‌شوند؛ مانند شهاب، زهره (۲)، آید و غموش (Äydoğmuş).

آنتروپوهیدرونیم‌ها

این نوع آبنام‌ها از نام سازندگان یا مالکان آنها به وجود آمده است. تعداد این‌گونه هیدرونیم‌ها در مجموعه آبنام‌های ایران قابل این نوع اسامی در میکروآبنام‌ها بیشتر دیده می‌شوند؛ مانند چشمه‌ها، قنات، جویبارها، آب‌های معدنی و...، مانند حاجی محمدچای، آل جیا، حاجی عرب، حاجی کوچی، حسن لنگی، خان میرزا، خان زمان، الاه وردی خان (Allähverdi xän)، ارقون (Arqun) (نام شخصیت تاریخی).

مموهیدرونیم‌ها

این‌گونه اسامی به مناسبت‌های گوناگون تاریخی، سیاسی و فرهنگی، به پاس احترام به شخصیت‌ها، حوادث تاریخی و مهم به یک عارضه جغرافیایی اطلاق می‌شود.

درمیان این اسامی به عوارض آبی مصنوع دست انسان بیشتر برمی‌خوریم؛ مانند سد پانزده خرداد، سد امیرکبیر، (رود) شاه بهرام، (رود) آغا خان، (رود) شاهزاده عباس، (رود) سره خاتون، (رود) شاه ولی، (رود) شاه بابک، (رود) شکرپیگ، شمس عرب، (رود) طهماسب قلی، (رود) شیخ علی تنگه، (رود) طغرل، (رود) عسلشاه، (رود) قاضی کئور، چشمه عین‌الرشید، چشمه شاه (چشمه شاه به دستور شاه عباس ساخته شده است).^۱

پاتروهیدرونی‌ها

اسامی موردهای آبی که از نام خانوادگی یا یک سلاله تشکیل شده است. این نام‌ها می‌تواند نام سازنده یا مالک، یا منسوب به یک خانواده باشد. در میان موردهای آبی چشمه‌ها، قنات‌ها، کانال‌ها، برکه‌ها و آب‌های معدنی بیشتر از سایرین از این نوع اسامی تشکیل یافته است؛ مانند کال حاجی بیگی، آب سردار (قنات در تهران)، قنات حاجی سیدحسین، قنات حاجی محمدباقر، قنات طوماس، قنات حاج محسن، قنات خطیب.

اوروهیدرونی‌ها

برخی از اسامی موردهای آبی معرف نام پستی و بلندی است، یا بخشی از آن، از اسامی کوه، تپه، دره، دشت و ... تشکیل شده است. در بیشتر موارد اورنی‌هایی به همان نام در نزدیکی مورد آبی به چشم می‌خورد؛ مانند دماوند (کوه و رود).

اویکوهیدرونی‌ها

اسامی که از نام مناطق مسکونی گرفته شده است. در اغلب موارد این مناطق مسکونی در جوار یا نزدیکی مورد آبی قرار گرفته است. برای تمییز و شناسایی این اسامی از اسامی نقاط مسکونی، به همراه آبنام مورد از نظر اصطلاحات هیدرو جغرافیایی مانند رود، چشمه، آب، سد، قنات، سو و ... استفاده می‌شود؛ مانند اهرچای، رود کرج، رود میان‌آب، دولت آباد، دهخارقان، زنجانرود.

۱. آلفونس گابریل، تحقیقات جغرافیایی، ص ۱۰۶.

هیدرو هیدرونیومها

برخی از اسامی موردهای آبی از نام یک مورد آبی دیگر گرفته شده است. این نوع آبنامها عمدتاً مصنوع دست بشر هستند و به نحوی با آبنام اولیه رابطه دارند، یعنی یا در مسیر آن هستند یا در جوار آن ساخته شده‌اند؛ مانند سد کرج (از رود کرج)، سد کرخه (از رود کرخه).

تئو هیدرونیومها

دسته‌ای دیگر از اسامی موردهای آبی از واژه‌های مذهبی یا کلماتی که مفهومی دینی را می‌رسانند، تشکیل شده. این گونه موردهای آبی یا در جوار مساجد، امامزاده‌ها هستند یا استفاده از آنها ثواب به‌شمار می‌آیند؛ مانند امامزاده اسماعیل (رود)، آق امام، امامزاده (رود)، موسی نهر، چشمه آدم (رود)، چم امام حسن (رود)، چم شیخ رواس، پیغمبر (رود) زیارت (رود)، سورموسا، آبگرم اله حق.

اومو هیدرونیومها

آبنام‌هایی را که مشابه نام مناطق مسکونی یا سایر عوارض جغرافیایی است اومو هیدرونیوم گویند؛ مانند رود کرج (شهر کرج)، رود قم (شهر قم)، رودنسا (شهر نسا)، آب معدنی بیله دره (روستای بیله دره)، چشمه بوشلی (Boşli) (روستای بوشلی)، آبگرم سرعین (Sarin) (روستای سرعین).

هیدرونیومهای عاریه

اسامی که از نام موردهای مشابه در سایر نقاط به‌وجود آمده، یا آن نام عاریه گرفته شده است. این نوع آبنامها بیشتر بر عوارض ساخت بشر اطلاق می‌شود و اسم خود را از نام یک عارضه جغرافیایی نزدیک عاریه می‌گیرند؛ مانند سد کرج، سد کرخه.

هیدرونی‌های مجازی

آبنام‌هایی که از واژه‌هایی به‌وجود آمده‌اند که نه در معنای حقیقی آن کلمه، بلکه در مفهوم مجازی به‌کار گرفته شده‌اند؛ مانند دروغ‌زن (Doruğzan)، دره دلی (Dare dali)، کفرآور، واویلا، غنچه‌خران، لولو (Lulu)، لم رود (Lamrud)، عروس داماد، لج‌رود.

فصل هفتم

دیرینه‌شناسی هیدرونیوم

ریشه‌شناسی هیدرونیومها

همان‌طور که در صفحات پیشین اشاره شد هر آبنام دارای معنا و مفهومی است. انسان برای نامگذاری و اطلاق عنوان به هر چیز یا پدیده از یک سیستم واحد و کلی استفاده می‌کند. این امر در نامگذاری موردهای آبی نیز صادق است. به همین جهت در هر نامی، مفهومی نهفته است اما به مرور زمان مفهوم برخی از این اسامی فراموش شده، یا در اثر تأثیر سایر عوامل نامفهوم می‌شوند. وجه تسمیه آبنام‌های ایران از دیر باز مورد توجه محققان بوده است. در اغلب کتب و تحقیقات جغرافیایی در مورد مناطق مختلف ایران به وجه تسمیه اسامی و سوابق و نظرات گذشتگان اشاره شده است. اگرچه برخی از این معانی درست بوده و یا دارای توجیه علمی هستند، اما این‌گونه نظریات همسو با تحقیقات و دستاوردهای زبان‌شناسی نبوده و از این نظر بررسی نشده‌اند. در سال‌های اخیر، گردآوری اسامی و بررسی ریشه‌شناسی آنها مورد توجه قرار گرفته و آثار قابل

توجهی نیز منتشر شده است. این کارها جنبه عام داشته و اسامی مناطق مسکونی، اسامی کوهها و تپه‌ها، اسامی رودها و... در کنار یکدیگر بررسی شده است و جای کتابی که تنها به بررسی وجه تسمیه آب نام‌های ایران پرداخته باشد، خالی است.

آبنام‌ها از نظر شفافیت معنا و مفهوم در سه گروه جای می‌گیرند:

الف: آبنام غیرشفاف یا آبنام‌هایی که معنای آنها هنوز آشکار نشده است.

ب: آبنام شفاف یا آبنام‌هایی که کل مفهوم آنها برای ما روشن است.

ج: آبنام نیمه شفاف یا آبنام‌هایی که بخشی از معنای آن برای ما روشن است.

آبنام غیر شفاف	آبنام نیمه شفاف	آبنام شفاف
شاخن	سدیج کوچک	دامغانرود
سیوند	شور دهرم	دلی چای
گده	قلعه پدا	دوآب
خیج	کرکل دره	دمیر
تاون	کشف رود	شورچای
مُنچ	کش رودخانه	قلعه چای
مُلکن	کم سفید	کاظم رود
بشار	کهرود	کرم بخش
بُقمچ	دهن دره	کرمعلی
جرف	قاضی کئور	کهن کور
داغا	قازان چای	ده شیخ

جدول آبنام‌ها با توجه به بازگشایی معنای آن

الف: آبنام‌هایی که معنی آنها برای ما روشن نیست (آبنام غیر شفاف).

انسان برای نامگذاری عوارض آبی به خصوصیات ظاهری، موقعیت مکانی، کیفیت، حجم، سمت، سرعت، موقعیت طبیعی و بسیاری عوامل دیگر توجه می‌کند. کشف این مفاهیم چندان پیچیده نیست، زیرا انسان برای نامگذاری از کلمات استفاده می‌کند و راز

این مفاهیم نیز در همین کلمات نهفته است. اما امروزه به علت قدمت نامگذاری مفهوم بسیاری از اسامی برای ما مبهم است. البته در برخی کتب جغرافیایی وجه تسمیه و علت نامگذاری پاره‌ای از اسامی جغرافیایی مشاهده می‌شود، اما در مورد آبنام‌ها توضیحات کمتری به چشم می‌آید. دلیل این امر از یک طرف، قدیمی بودن اسم است و از طرف دیگر، چون مورد آبی به خودی خود در طبیعت وجود دارد، کنجکاوای برای نام آن کمتر بوده است. به هر حال، تعداد اسامی‌ای که مفهوم آن برای نگارنده مبهم بوده است در میان آبنام‌ها کم نیستند؛ مانند موردان (Murdān)، کر، لور (Lur)، لومیر (Lumir)، گاژر (Gāzor)، هویق (Hoviq)، بوژان (Buzān)، جغان (Ceğān) و...

امیدواریم روزی شاهد تألیف کتاب‌هایی در مورد تحلیل اسامی جغرافیایی و آبنام‌ها باشیم.

ب: آبنام‌هایی که کل مفهوم برای ما روشن است (آبنام شفاف).

این نوع آبنام‌های تک جزئی یا دوجزئی اغلب از واژه‌هایی به‌وجود آمده‌اند، که در زبان مورد نظر دارای مفهوم روشنی هستند؛ مانند باز (رود)، باغشاه (رود)، بختیاری (رود)، برغان (Bərəğān) (رود)، بیشه (رود).

از طرف دیگر، این اسامی عمداً از واژه‌هایی ساخته شده‌اند که به همان صورت در زبان موجود هستند و علت انتخاب آنها به عنوان آبنام فراوانی، تشابه، مجاورت، قیاس و... است. اسامی که مفهوم آنها برای ما روشن است می‌توانند تک جزئی، دوجزئی یا چندجزئی باشند. البته با توجه به اینکه اسامی تک جزئی دارای قدمت بیشتری هستند، هرچه مفهوم تعداد بیشتری از آنها برای ما روشن شود، امکان آشکارسازی مفهوم سایرین نیز بیشتر فراهم می‌شود. در اسامی دو یا چند جزئی که دارای اصطلاحات جغرافیایی یا هیدروجغرافیایی هستند، مفهوم اصطلاحات روشن است و تنها رازگشایی مفهوم سایر بخش‌ها دارای اهمیت است. این مفاهیم بسیار گسترده هستند. بررسی‌های ما اسامی یک جزئی یا چندجزئی با مفهوم روشن را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند.

مفهوم آبنام	مثال برای آبنام
حیوانات و پرندگان	(رود)گرگ، (رود)بز، (رود)پلنگی،
گیاهان و نباتات	سارمساقلو، بلوط، ترب، سپیدار
شخصیت‌های تاریخی	(رود)رستم، (رود)کیکاووس
طعم و مزه	(رود)نمکی، تلخ، شیرین
رنگ	(رود)کبودان، سفیدرود، (رود)زرد
ویژگی ظاهری	(رود)دمق، (رود)کبیر، (رود)قتور
نام طوایف	(رود)گرچی، (رود)کنگر، (نهر)خلج
نام سایر عناصر	(رود)کپک، (رود)حمام، حلب
حرارت و دما	آبگرم، (رود)گرم، ایستی سو

جدول آبنام‌های تک جزئی شفاف:

- آبنام‌هایی که از نام **حیوانات یا پرندگان** گرفته شده است، مانند (رود) بز، (رود)پلنگی، (رود)دلدل (Doldol)، (رود)شتران، (رود)شیر، (رود)قره (Qara)، (رود)قوش، (رود)گاو، (رود)گرگ، (رود)ماهی، (رود)آهو و....
- آبنام‌هایی که از نام **گیاهان و نباتات** موجود در آن منطقه گرفته شده است، مانند (رود)چنار، (رود)بیدمشک، (رود)سپیدار، (رود)سوقان (Suqān)، (رود)کاج، (رود)گز (Gaz)، (رود)نخل، (رود)یونجه لی (Yoncāli)، (رود)زرشک، (رود)سماق و
- آبنام‌هایی که از نام **شخصیت‌های تاریخی و باستانی** گرفته شده است و دارای معانی با جاه و جلال یا خصوصیت‌های آن شخصیت باشد، مانند (رود)رستم، (رود)زال، (رود)سلم، (رود)زردشت، (رود)سلمان، (رود)سلیمان بیگ، (رود)کیکاووس، (رود)سلطان طاهر و

۴. آبنام‌هایی که کلمات گویای رنگ در آنها استفاده شده است و رنگ‌ها در آنها به صورت مجازی به کار می‌روند و مفهوم شفافیت، حجم، تمیزی و ... را می‌رسانند؛ مانند (رود) سفید (۳) ، (رود) سیاه (۶)، (رود) کبودان، (رود) زرد، (رود) شیشه و ...

۵. آبنام‌هایی که مفهوم و خصوصیت عارضه مثل **طعم و مزه** و ... را می‌رسانند؛ مانند (رود) شور (۸)، (رود) شیرین (۷)، (رود) نمکی، (رود) نمکه، آجی چای (Āciçāy) (رود تلخ)، (رود) یخ آب و ...

۶. آبنام‌هایی که اسم آنها **مشخصات فیزیکی و ویژگی ظاهری** عوارض آبی را بیان می‌کند مانند (رود) فراخ، (رود) قتور (Qotur)، (رود) کبیر، (رود) گرم، (رود) گشاد، (رود) اعظم، (رود) اعلا، (رود) اشگ، (رود) لاغر، (رود) دمق و ...

۷. آبنام‌هایی که از **نام سایر عوارض جغرافیایی** اقتباس شده‌اند. این گونه اسامی اگرچه از یک کلمه تشکیل شده‌اند، اما برای اجتناب از اشتباه در اغلب مواقع به همراه کلمه‌ای که نوع آبنام را نشان می‌دهند، به کار می‌روند؛ مانند (رود) دینور (Dinevar)، (رود) ماسوله، (رود) دماوند، (رود) کرج، (رود) خاش، (رود) خمین، (رود) الموت و ...

۸. آبنام‌هایی که از **نام طوایف و قبایل** جدید و قدیمی یا باستانی به وجود آمده باشند؛ مانند (رود) عرب، (رود) حبشی، (رود) کنگری، (رود) گرجی (Gorci)، (رود) کنگر، (رود) عبدل‌آباد، نهر خلیج (Nahre xalac) و ...

۹. آبنام‌هایی که از **نام سایر عناصر** ساخته شده‌اند و در معنای مجازی مفهوم واژه را در آبنام متبلور می‌کنند؛ مانند (رود) شمشیر، (رود) سنگ، (رود) کپک، (رود) شیشه، (رود) حلب، (رود) حصار، (رود) خرخره (Xerxere)، (رود) حمام، (رود) خاکستر و ...

ج: آبنام‌هایی که بخشی از معنای آن روشن است (آبنام نیمه شفاف).

در این نوع آبنام‌ها از کلماتی استفاده شده است که بخشی از ماهیت آبنام مورد نظر مفهوم و معنی آن را روشن می‌کند. این نوع اسامی عمدتاً از چند دسته تشکیل

می‌شوند. در پاره‌ای از آنها علاوه بر کلمه‌ای که دارای معنی روشن است، جزء دوم از کلماتی تشکیل شده که آنها جزء اصطلاحات جغرافیایی یا هیدروجغرافیایی هستند. در اینجا اصطلاح هیدروجغرافیایی در مفهوم حقیقی خود به کار می‌رود و نوع عارضه را نشان می‌دهد، یا اینکه اصطلاح جغرافیایی که گویای سایر عوارض هستند و از اسامی جغرافیایی موجود گرفته شده‌اند. گروهی دیگر، جزء دوم آنها کلماتی هستند که معنای آنها هنوز رمزگشایی نشده‌اند. این اسامی به دسته‌هایی که در زیر می‌آید تقسیم می‌شوند. گردآوری کلیهٔ آن‌هاهایی که بخشی از مفهوم آن روشن است می‌تواند در مطالعات میدانی به سایر علوم مانند کشاورزی، صنعت و معدن و علوم انسانی کمک نماید.

مفهوم آبنام	مثال برای آبنام
حیوانات و پرندگان	بزرود، بالقلوچای، قورویارس، زالوچال، پلنگرود
گیاهان و نباتات	ارموت ارگیل، چشمه بید، سنجد چای
شخصیت‌های تاریخی	ده محمدشاه (رود)، موسی نهر، قازان رود
طعم و مزه	تلخاب، آبشور، آب شیرین، رود شور پسکوه
رنگ	تنگ سرخ، چشمه سفید، قره سو، سبز آب
ویژگی ظاهری	تنگ ریز، تنگل راست، قورویچای، گذارپهن
نام طوایف	نهر خلیج، کنگرود، حاجی عرب، آب ترکی
نام سایر عناصر	چرم سو، کال استخوانی، قیان چای، افراخته
حرارت و دما	آب سرد، گرم رود، گرم چای، کال آب خنک
خصوصیت شیمیایی	شور آب، شورسو، آچی چای، تلخاب، آب ترش
موقعیت مکانی	سرکاریز، سرداب پایین، کهقان بالا، بوخاریچای
کمیت و حجم	کنس رود، قنورچای، باریک آب، ایری چای
جریان، سرعت، صدا	کند رود، گورگورچای، آب مورموری
نوع آبنام	چشمه علی، چم بوین، نهر خلیج، سفیدرود
اندازه و طول	اوزون دره، باریک آب، بیوک چای
اعداد و ارقام	چهل چشمه، دو آب، سی کوران، هفت قنات
لقب و عناوین	آب شاه، آقام علی چای، آق بیگلر، بهادرچای
شغل و حرفه	رود آهنگران، تنگه قالیباف، کال پوستین دوز
شباهت ظاهری	دره دیم خرکن، پای میش، تودی لنگ، گاوکیچ
نام سایر عوارض	سیاه کوه، آسیاب رود، آستارا چای، باغ سنگی
وجود سایر مواد	چاه سنگ، کال نمک، هفت خونی، شیر مرغ
وجود کلمات معنی‌دار	جوب خاله، کهن کور، مال حاضری، آب لشگر

جدول آبنام چند جزئی نیمه شفاف:

۱. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای مزه، طعم و خصوصیت شیمیایی** آن هستند. این نوع نامگذاری ابتدایی‌ترین شکل نامگذاری بوده است، زیرا استفاده از آب در وهله نخست مزه آن را نشان می‌دهد. در این نوع اسامی از کلمات شور، شیرین، ترش، تلخ، آجی (تلخ)، آری (صاف)، بولانلیق (گل‌آلود، کثیف) و... استفاده شده است؛ مانند شور بلاغ (Şorbuläg)، آریچای (Äriçäy)، قوروچای (Quru çäy) (۳)، بولانلیق چای (Bulänliq çäy)، آجی چای (Äcı çäy) (۲)، شورآب (۶)، شور بافق، شور آب سمنان، شورآب بیابانک، شور باریک، شور جهرم، شور جیرفت، شورچای (Şorçäy) (۶)، شور سو (Şorsu)، آجی دره (Äcıdara)، شور دلیجان، قوری چای (Quriçäy) (۴)، قورو بارس (Qurubärs)، ترشاب (۲)، دریاچه نمک، کال نمکزار (دریاچه)، تلخاب، تلخه رود زنجان، شوره زار آلا گل (Şurezäre älägul) (دریاچه)، تلخ رود، شیرین دره، شیرین رود، کال خشک، آب تلخ، شیرین آب، چاه شیرین، کال تلخاب، آب ترش (چشمه).

۲. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای رنگ مورد آبی** است. این کلمات در معنای مجازی استفاده می‌شوند و گویای رنگ آب نیستند. در اینجا رنگ می‌تواند معرف کیفیت و طعم و حجم باشد. در بعضی زبان‌ها مانند زبان ترکی و چینی رنگ معرف سمت جغرافیایی است؛ مانند دریای سیاه و دریای سفید که معرف سمت شمال و جنوب است. در این آبنام‌ها واژه‌های سیاه، سفید، آغ (سفید)، قره (سیاه)، سپید، سیمین، زرین، زرد، سیمینه، قزل، بور، سرخ، سبز و... استفاده شده است؛ مانند سپیدار، ساریجه چای (Särica çäy)، ساریسو (Särisu)، سرخ‌آباد، سرخ‌آب (۳)، سبزکوه، سبزآب، سپیددره، سفید باغ، سفیدرود، سفیددره، سنگ سیاه، سنگ سیاهی، سیاه چمن چای، رود خانه سفید، قره سو (Qarasu) (۶)، کال آلبلاغ (Käle älbüläg)، سیاه دره، سیاهرود (۶)، سیاه سنگ، بور طلا، سیاه مرز کوه، سیاه کوه، سیاه مزگی، سیمینه رود، قره چریان (Qaraçaryän)، قره قوش (Qaraquş)، قره قای (Qaraqäy)، قره دره (Qaradara)، قزلچای (Qızılçäy)، قزل‌اوزن (Qızılüzan)، قزلچه سو (Qızılçäsu)، قره قشلاق (Qaraqışlâq)

(تالاب)، آق قوروچای (Äqquruçäy) (۳)، چای ساریک (Çäy särik)، جم سنگ سیاه، جم زرد، آب زرشک (هم مفهوم رنگ و هم مفهوم طعم دارد)، زرينجه، زرين گل، زرينه رود، ساری قمیش (Säriqamiş)، ساری سو (Särisu)، آب چلچلی، کنه کبود، نهرقترانی، زرين کمر.

۳. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای موقعیت مکانی موردآبی** هستند. در این آبنام‌ها کلمات بالا، پایین، علیا، سفلی، یوخاری، آشاغی و ... دیده می‌شود که دارای مفهوم مکانی هستند. برخی از این اسامی در قسمت دوم حاوی نام محل هستند و بخش دوم آبنام مورد نظر را از اسامی مشابه تفکیک می‌کند. در این اسامی یک نام مشخص به صورت معرف به منظور تبیین موقعیت مکانی آبنام به کار می‌رود؛ برای مثال در اسامی شورباق، شور جیرفت، شور جهرم، شور بیجار جزء دوم برای نشان دادن موقعیت مکانی آبنام به کار رفته است. برخی از کلماتی که مفهوم مکان را دارا هستند به صورت موازی، دو مکان مقابل یا نزدیک به هم را نشان می‌دهند و متضاد یکدیگر هستند؛ مانند بالا-پایین، چپ - راست، علیا - سفلی و یوخاری - آشاغی. همچنین مانند سرداب پایین، یوخاری چای (Yuxarı çäy) (۲)، سرکاریز (Sare kâriz)، میان رودبار، پشت پیروود، گهقان بالا، میان طاق، میان کوه، پیش رودبار، میانرود، سرچال، تنگ جلو، سرچنگل، سرگز، سرزه، راست دره.

۴. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای حجم و کمیت میزان آب** است. در اکثر موارد جزء دوم این نوع آبنام اصطلاح هیدروژغرافیایی است. در این نوع اسامی کلمات پر، کم، باریک، ریز، درشت، ایری (درشت)، خرده (ریز)، قنور (پهن)، اعظم، گاو (در معنی مجازی بزرگ)، کال بزرگ و ... به کار رفته است؛ مانند ریزاب میشوری، کم سور، کم سفید، آب باریک، چشمه ریزه (رود)، چشمه ریزک (رود)، قنور چای، باریک‌آب، باریک‌رود، قوتورسو (Qotursu) (چشمه).

۵. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای حرارت و دمای آب آن** است. در این نوع آبنام‌ها کلمات سرد، گرم، جوشان، یخ، ایسیسی (İssi)، ایستی (İsti)، سویوخ (soyux) و ... به چشم می‌خورد؛ مانند گرماب (۴)، گرمارود (۲)،

گرمدره، گرمرود، گرم چای، گرمابدشت، گرمابدر، سرداب، سرداب رود، چم جوشان، آبجوش، ایسی سو (چشمه).

۶. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که جریان آب، صدا و یا سرعت آن را می‌رساند. در این نوع آبنام‌ها کلمات تند، تیز و... به چشم می‌خورد؛ مانند قلقلرود (Qolqolrud)، چم خورخوره (Çame xorxore)، چهچهه، قلقلی چای (Qololi çay)، گورگور چای (Gurgur çay)، آب جاق جاق (Äbe cäqcäq)، چشمه تاپ تاپان (Çeşme täptäpän)، رود خرخر (Rude xorxor).

۷. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که نوع عارضه آبی را مشخص می‌کند. این کلمات به جزء دیگر می‌چسبیده و نباید جدا نوشته شوند. در این آبنام‌ها کلمات اقیانوس، دریا، دریاچه، رود، چشمه، بلاغ، نهر، جوی، دریاچه، چم، گؤل، باتلاق، کانال، کاریز، کهریز، کال، چای، چشمه، تالاب، سد، چایلاق، مانداب، آبگرم، آب معدنی و سایر کلماتی که نشان‌دهنده نوع آبنام هستند، به چشم می‌خورند؛ مانند دریای مازندران، شاه گؤل (Şähgöli)، اورمو گؤل (Urmugölü)، اقیانوس هند، ساوه چایلاقی (Sävaçäyläqı)، باتلاق گاو خونی.

۸. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که درباره طول و اندازه عارضه اطلاعات می‌دهد. در این آبنام‌ها از کلمات دراز، کوتاه، باریک، بلند، اوزون، قیسا و ... استفاده می‌شود؛ مانند درازبیشه، درازنا، ایری چای (Ayriçay)، اوزون دره (Uzundara) (۲)، اوزون دره گوجه قیه (Uzundara göycaqaya)، نهر اعظم.

۹. آبنام‌هایی که یک جز نام آنها شکل ظاهری عارضه را نشان می‌دهد. در این اسامی کلمات راست، کج، خمیده، قوری دیده می‌شود؛ مانند کج کال، راستدره، راسته خاله، رودخانه بولانلق (Rudxäne bulänliq)، رود قتور (Rude qotur)، چشمه ریزه، (تالاب) قوری گل (Qurıgöl).

۱۰. آبنام‌هایی که یک جزء از اسامی آنها گویای اعداد و ارقام است؛ مانند هزارگره، هزاربند، هشت بند، هفتاد رود، هفت چشمه، هفت قنات، هفت خونی، هزارمیشه، پنج چاهی، چم چهل چشمه، چم دو آب (۴)، چم دورود، چم هفتاش، چهارباغ، چهار

تاق، چهار کال، چهارشحنه، چهل چای، چهل چشمه، چهل گذر، چهل و چهار آب، سه سنگ، سه گلال، سه گنبد، سه هزار، سی خوران، سی کوران، سی رود، شش پیر، شش رودبار، شصت پیچ، شصت دره، شصت کلاه، شصت ماهرو، کال پنج چاهی.

۱۱. آبنام‌هایی که در آن کلماتی به کار رفته است که **لقب و عنوان** را می‌رسانند. برخی از این عناوین منسوخ بوده و دیگر در زبان معاصر به کار نمی‌روند و تنها در اسامی محفوظ مانده‌اند. در این اسامی به واژه‌های ارباب، خان، شاه، خاتون، امیر، سردار، بیگ، سلطان، درویش، میرزا و... برمی‌خوریم؛ مانند سالاردره، ده ملک، ده میرزائی، ده محمدشاه، طاهر خاتون، علی گرده، قلعه قاضی، کال سالار، سلطان بیگ، سلطان آباد.

۱۲. آبنام‌هایی که در آنها کلماتی استفاده شده است که **شباهت ظاهری** را می‌رسانند؛ مانند (رود) پای میش، رود پلنگی، چم بادمجان، زالو چال، رود لولو، رود منقار.

۱۳. آبنام‌هایی که در آنها کلماتی استفاده شده است که **معرف شغل و حرفه** هستند؛ مانند رود قالیباف، رود گیوه دری، رود نقاش، رباط نعل‌بند.

۱۴. آبنام‌هایی که در آنها کلماتی استفاده شده است که **معرف اشیاء و لوازم** مورد مصرف انسان هستند؛ مانند رود لنگر، رود نقاب، سفیداره.

۱۵. آبنام‌هایی که در آنها از **نام شهرها** استفاده شده است. در برخی اسامی شهرها در جوار و نزدیکی مورد آبی قرار دارند و در برخی دیگر در فاصله دورتر قرار گرفته‌اند؛ مانند دامغان رود، سراب کنگاور، رازلیق چای.

۱۶. آبنام‌هایی که مفهوم آنها **فراوانی یا وجود چیزی** را در منطقه یا در عارضه نشان می‌دهد؛ مانند بالخ لو (پر از ماهی)، بالیق لو رود (رود پر ماهی).

۱۷. آبنام‌هایی که بخشی از نام آن گویای نام **قبایل و طوایف** موجود یا قدیمی ایران است. مطالعات منطقه‌ای نشان می‌دهد که تعداد این نوع آبنام کم نیست؛ مانند (رود) آب سیاه خانی، چاف رود، چم اسماقلو، کال اسدی، کال افغانی، کال بهلوری، کنگررود.

۱۸. آبنام‌هایی که در آنها از اصطلاحات و کلماتی استفاده شده است که در معنی **نوع عارضه جغرافیایی** را نشان می‌دهد؛ مانند دو ده، قلعه سیستان (رود)، دره گیجک، دشت هور، پشت پیر، کوه پست، کوه رنگ، خیره مسجد چای، باغ مورت، تنگ گرمه، سرچنگل.

۱۹. آبنام‌هایی که بخشی از نام آن از کلمات معنی دار فوق نیستند؛ اما خود آن واژه‌ها دارای مفهوم روشنی هستند؛ مانند چاه اعلا، زرین کمر، دهنه فرح، کال ولایت، کال گذر گرماب، کال موشک.

۲۰. آبنام‌هایی که بخشی از نام آن گویای **اعضای بدن** هستند. این واژه‌ها دارای دو نوع معنی هستند. یعنی یا دارای معنی تشبیهی هستند یا معنی مجازی. در این مفهوم کلمات سر، پا، کمر مفهوم مکانی دارند؛ مانند دهن دورودی، دهنه غار، سرولایت، سرتنگه، پای چقات، دهنه فرح، زرین کمر، دره فک بن، دریاسر، گلال لب سفید، پای میش.

فصل هشتم

بیان هیدرونیوم

زبان هیدرونیوم‌های ایران

کشور ایران از دیرباز مهد سکونت طوایف و قبایل گوناگون بوده است. برخی از این طوایف و قبایل هم اینک در درون جغرافیایی سیاسی ایران زندگی می‌کنند و برخی در فراسوی مرزهای کنونی کشور ما سکونت دارند. با توجه به گذشت هزاران سال از اتراق اجداد ما در این سرزمین گنجینه‌ای عظیم از نام‌های جغرافیایی شامل اویکونیم (جای نام)، اورونیم و بویژه آبنام برای ما به یادگار مانده است. ما برخی از آنان را به همان صورت قدیمی آنها به کار می‌بریم و تعدادی را نیز که بر اثر تغییرات سیاسی، فرهنگی و تاریخی تغییر نام داده‌اند به گونه‌ای دیگر به کار می‌بندیم. یکی از تفاوت‌های بارز میان آبنام‌ها و اسامی نقاط مسکونی (جای نامها) پایدارتر بودن آبنام‌هاست. برخی از نقاط مسکونی در پی حوادث گوناگون، امروزه وجود خارجی ندارند و تنها نامی از آنها در کتب تاریخی و... باقی مانده است؛ مانند تیسفون و ری. اما آبنام‌ها هنوز هم وجود دارند. تنها میکروآبنام‌ها یا آبنام‌های مصنوع دست بشر ممکن است دچار عوامل طبیعی شده و از صحنه جغرافیا محو شوند؛ مانند سد شاهپور، سد بیلقان (در دیوان اشعار خاقانی به این

سد اشاره شده است). فرهنگ و زبان یک منطقه می‌تواند پایدار نباشد و بر اثر تاثیرات فرازبانی یا زبانی دچار تحول شود. این تحولات عیناً به اسامی منتقل نمی‌شوند و به همین جهت اسامی در درون خود ویژگی‌های قدیمی زبان‌ها را حفظ می‌کنند.

آبنام‌های ایران از نظر تاریخ شکل به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول آبنام‌های قدیمی که در گذشته به وجود آمده و مورد استفاده هستند. دسته دوم آبنام‌های جدید (Neohydronyms) که یا به دست انسان ساخته می‌شوند؛ مانند سدها، قنات‌ها و کانال‌ها یا به صورت طبیعی مانند مسیر جدید حرکت رودها، چشمه‌های خودجوش به وجود می‌آیند.

آبنام‌ها از نظر کاربرد نیز دو گروه هستند. یک گروه **آبنام‌های فعال**^۱ که شامل کلیه آبنام‌های دسته دوم فوق یا آبنام‌های جدید و بخشی از آبنام‌های دسته اول جزء آبنام‌های فعال هستند و گروه دیگر **آبنام‌های غیرفعال**^۲ که تنها بخشی از آبنام‌های دسته اول یا آبنام‌های قدیمی جزء آبنام‌های غیرفعال هستند. آبنام‌های غیرفعال علیرغم عدم وجود فیزیکی از نظر فرهنگی و تحقیقات علمی اهمیتشان کمتر از گروه دوم نیست. حتی در مواردی در بررسی‌های علمی از گروه اول مهم‌تر هستند.

آبنام فعال	آبنام غیرفعال
سد کارون	قزل‌اوزن
رود کارون	شیرین‌چای (تبریز)
چشمه اعلا	شاه‌گلی (تبریز)
سفیدرود	قنات آخونی (تبریز)
دریاچه بختگان	ایلانلی (قنات)
دریای خزر	
دریاچه لار	

جدول آبنام‌های فعال و غیرفعال

1. Active Hydronyms
2. Passive Hydronyms

تنوعات زبانی در هر دو نوع آبنام فعال و غیرفعال یا جدید و قدیمی، موجود در ایران، به طرز بارزی خودنمایی می‌کند. آبنام‌ها را از نظر دوره تاریخی شکل‌گیری و نامگذاری می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: ^۱ آبنام‌های کهن، ^۲ آبنام‌های قرون میانه و ^۳ آبنام‌های معاصر.

آبنام‌های کهن	آبنام‌های میانه	آبنام‌های معاصر
سیحون	آبسکون	خزر
جیحون	آب زره	رود هیرمند
آمودریا	الانی	جوانرود
آموی	اولایی	کارون
هیرگان	باخشا	قزل سو
آراکس	بحر جرجان	رود ارس
آراکوس	بحر قلزم	رودبورا
آریوس	شیرچوپشت	هریرود

جدول آبنام‌ها در ادوار تاریخی

آبنام‌های کهن یا باستانی با توجه به تاریخ شکل آنها از زبان‌های باستانی موجود در ایران به وجود آمده‌اند. این نوع آبنام‌ها را می‌توان در کتیبه‌های قدیمی، سکه‌ها، نوشته‌های رسمی متعلق به دوران کهن در کشور ایران و کشورهای همجوار مشاهده نمود. بسیاری از مورخان یونانی، رومی، سریانی، آسوری، هندی، چینی، عرب و ترک در نوشته‌های خود اسامی موردهای آبی ما را ذکر نموده‌اند. گردآوری انواع مختلف نوشتاری این اسامی ابهامات بسیاری را در مورد مفهوم آنها رفع می‌کند. در دوران باستان رسم بر این بوده است که از کاتبان دیگر زبان‌ها برای نوشتن استفاده می‌نموده‌اند کنند و به همین دلیل بسیاری از کتیبه‌های باستانی به سایر زبان‌ها و به خط میخی

1. Paleohydronyms
2. Mesohydronyms
3. Current or in-use Hydronyms

کتابت شده است. تنوع زبانی در میان آبنام‌های دوران باستان تا عصر حاضر نسبت به تنوع زبانی آبنام‌های جدید بیشتر است. دلیل این امر از یک طرف، کوچکتر شدن حدود و ثغور ایران و از طرف دیگر، عدم کاربرد سایر زبان‌ها در ایران است. اگر در میان آبنام‌های کهن و آبنام‌های قرون میانه ایران اسامی مغولی، چینی، هندی و ... دیده شوند، قطعاً در بین آبنام‌های معاصر این نوع اسامی، دیگر به چشم نمی‌خورند.

یکی از نکات قابل توجه در موقعیت کنونی ایران وجود اقلیت‌های قومی در اطراف کشور و بخصوص در سرحدات مرزی کشور است. عرب‌ها، ترک‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، کردها بیشتر در کنار مرزها سکونت دارند. طبق آمار منتشره پایگاه اینترنتی زبان‌شناسی موسسه SIL به نام اتنولوگ، تعداد زبان‌هایی که در ایران بدان تکلم می‌شود، ۶۹ زبان است. اگر همه این زبان‌ها دارای اسامی جغرافیایی مخصوص به خود نباشند، باز هم می‌توان ردپای بسیاری از آن زبان‌ها را در میان آبنام‌ها پیدا نمود.^۱

بررسی آبنام‌های ایران نشان می‌دهد که در ساختار زبانی آبنام‌های ایران چند گروه

زیر به چشم می‌خورد:

آبنام تک زبانه	آبنام دو زبانه	آبنام چند زبانه
زولاچای	دوشیوان سو	چم آق دره
بیوک چای	چم قره زاغ	قنات‌اله وردیخان
گاو رود	قنات طوماس	قنات احمد پاشا
تلخاب	قنات‌هارون	قنات شاه چلبی
شط	تنگل آقاسو	ملا حیدر آرخی
شوت	چم اوزان	رودبار گل یورت
بوژان	چای خررود	تنگل قلعه جوق
ریسو	کال قنبرو	دره ذوآستین

جدول تنوع زبان در شکل آبنام‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر به بخش زبان‌های ایران در سایت اینترنتی آدرس زیر مراجعه کنید:

۱. آبنام‌های یک جزئی متعلق به زبان‌های مختلف در بین آبنام‌های تک‌جزئی اسامی فارسی، ترکی، عربی، ترکمنی، گیلگی، مازندرانی، کردی، ارمنی، بلوچی، لری، مغولی و ... مشاهده می‌شود؛ مانند بونه (Bune - عربی)، جبرین (Cabreyn - عربی)، خارکو (Xärko - عربی)، اوغاز (Uğāz - ترکمنی)، اریک (Arik - ترکی)، ایلیکا (İlika - گیلگی)، ارمو (Urmu - ترکی).

۲. آبنام‌های دوجزئی که هردو جزء آن از یک زبان سرچشمه می‌گیرند ممکن است این زبان‌ها جزو زبان‌های رایج یا زبان‌های منسوخ باشند؛ مانند دلی‌چای (Dali çäy)، تاش‌بلاغ (Täşbuläğ)، چم بناسوره (Çame bansure)، کول‌چنگر (çangar Kule)، چم مرخوز (Çame marxuze)، جوزچال (Coze çäl)، کانی رش (Käni raş)، باؤل رود (Bävalrud)، کانی چرمو (Käni çarmu).

۳. آبنام‌های دوجزئی که هرکدام از اجزای آن از یک زبان مستقل سرچشمه گرفته است. این نوع آبنام را که در میان اسامی جغرافیایی به وفور یافت می‌شود در اصطلاح توپونیمی (creonym) گویند. در این آبنام‌ها ترکیب‌های مختلف مانند فارسی - ترکی، ترکی - فارسی، فارسی - کردی، فارسی - ترکمنی، فارسی - عربی، ترکی - عربی، ترکی - کردی به چشم می‌خورد. این ترکیب‌ها آمیختگی زبانی در مناطق مختلف جغرافیایی را نشان می‌دهد. مثل باغ‌مورت (Bäğe murt)، کال کلات (Käle kalät)، کال آلبلاغ (Käle älbüläğ)، تنگل آقا سو (Tangale äqäsu)، آناسخیوک (Änsaxiyuk)، تول چشمه (Tul çeşme)، زق رودخانه (Zaqrudxäne)، تنگ لاش (Tange läş)، شط العرب، قوره تو (Qure tu)، گلال مولیز (Kalle mulz)، گیلال کورگه (Gilälkurge)، چم کیسلان (Çame kislän)، چم آغوتمان (Çame äğutmän)، مهربان چای، دوشیوان سو (Doşivän su).

در اکثر این ترکیب‌ها زبان فارسی، به علت گستردگی، بیشتر از سایر زبان مورد استفاده است. برخی ترکیب‌ها مانند بلوچی - ترکمنی، بلوچی - کردی و ترکی - بلوچی بسیار نادر است. از طرف دیگر، زبان عربی به علت ایفای نقش تاریخی

در ترکیب‌ها فعال‌تر است، اما این فعال بودن گواهی بر کاربرد و رایج‌بودن برای محاوره در آن مناطق نیست.

۴. آبنام‌های چندجزئی که کلیه اجزای آن متعلق به یک زبان رایج معاصر یا منسوخ است؛ مانند اوزون دره گویجه قیه (ترکی)، اسب نیزه رودبار (فارسی).

۵. آبنام‌های چندجزئی که اجزای آن به زبان‌های مختلف است. این نوع آبنام creonym hydronym نامیده می‌شود؛ مانند آق زوج چای (Äğ zoc çäy)، فارسی و ترکی). تعداد این نوع اسامی نسبت به سایر آبنام‌ها بسیار کم است.

زبان آبنام	مثال آبنام
فارسی	آفرین، حوض، سرگز، آب چوش، رودبار
ترکی	دمیر، درین سو، سارمساقلو
عربی	متاع، ابوالعباس، ابوالفارس،
ترکمنی	تاش بلاغ، چقلیق، یانبلاغ، سنکزسو
کردی	سیوند، پاژچای، چم کوران، روشاده
گیلگی	گی مرد، گیلوان، کیاکلا، کیاسر
مازندرانی	باؤلرود، قلات، لگارود، لیسار
بلوچی	دهوچ، دارگادلی، چدرک، پتکینس

جدول آبنام باتوجه به منشاء زبانی آن

بسامد زبانی^۱ آبنام‌ها

بسامد استفاده از زبان‌های مختلف با پراکندگی قومی آنها ارتباط تنگاتنگی دارد. بجز زبان فارسی که آبنام‌های آن در اغلب نقاط ایران دیده می‌شوند، سایر زبان‌ها دارای پراکندگی جغرافیای محدودتری هستند. دلیل این امر کوچ‌های اجباری بوده است که در تاریخ گذشته ایران بسیار به چشم می‌خورد. سلاطین و صاحبان حکومت در گذشته برای حفظ سرحدات خود از مهاجمان اغلب اقدام به جابجایی طوایف و قبایل طرفدار

1. Linguistic Frequency

خود به سایر مناطق می‌نمودند و افراد این طوایف نیز به همراه خود، نام‌های خود را به مناطق جدید می‌بردند. جمع‌آوری نام‌های مشابه در نقاط مختلف کشور و بررسی تاریخی آنها در این مورد نکات جالب توجهی را آشکار خواهد کرد.

تدوین اطلس‌های هیدرونیمی برای تبیین و شناخت بسامد آبنام‌های ایران اقدام عملی بسیار ضروری به‌شمار می‌رود. چنین مجموعه‌ای می‌تواند خصوصیات کاربردی متعدد داشته و مورد استفاده محققان مردم‌شناسی، تاریخ و زبان‌شناس قرار گیرد.

فصل نهم

واژه‌ها

واژه‌نامه توصیفی توپو هیدرونیمی

با توجه به اینکه علم توپو نیمی و هیدرونیمی که بخشی از آن است در ایران بسیار نوپاست، به همین دلیل هنوز واژگان علمی آن شکل نگرفته است. این وظیفه محققان جوان است تا با توجه به این علم، اصطلاحات آن را نیز ایجاد کنند. به همین منظور، گردآوری و تشریح این اصطلاحات در انتهای این کتاب می‌تواند راهگشا و مشوق علاقمندان باشد. بسیار خرسند می‌شویم اگر خوانندگان ما را از نظرات خود در مورد اصطلاحات علمی توپو نیمی و هیدرونیمی آگاه نمایند. به دلیل عدم وجود معادل برای اکثر اصطلاحات، مفهوم آنها به صورت تشریحی در اینجا آورده شده است. نویسنده ضمن تدوین این کتاب، اصطلاحاتی را برای معادل‌های خارجی آن مناسب تشخیص داده و به کار برده است. برای مثال آبنام (Hydronym)، یادنام (Eponym)، میکروآبنام (Microhydronym)، ماکروآبنام (Macrohydronym)، راه نام (Odonym) سد نام (Dam's name)، آبنامه (Gazetteer of Hydronyms)، رودنام (River's name) و شایان ذکر است اصطلاح رودنامه توسط مهندس عباس جعفری به معنای فهرست نام رود استفاده شده است.

Abionym:

متشکل از واژه یونانی *abios* به معنای زندگی و *onim* به معنای نام به اسامی مورد بی جان طبیعی یا ساخته دست بشر مثل توپونیم‌ها، کاسمونیم‌ها و آسترونیم‌ها. متضاد آن بایونیم گفته می‌شود.

Abyssal Hills:

منطقه برآمده در عمق دریا

Abyssal plain:

گستره‌ای با شیب آرام در عمق دریا

Active hydronym:

آبنام فعال یا مورد استفاده

Adonym:

اسامی زمین‌های زراعی و غیرزراعی مثل باغ، صحرا، بیابان، مزرعه، جنگل و باغچه

Agoronym:

متشکل از واژه یونانی *agor* به معنای بازار، میدان و خیابان و *onim* به معنای نام. شامل نام اماکن عمومی شهرها مثل میادین، خیابان‌ها و

Agronym:

متشکل از واژه یونانی *agros* به معنای مزرعه و زمین کشاورزی و *onim* به معنای نام. اسامی زمین‌های کشاورزی و زراعی را گویند.

Acronym:

متشکل از واژه یونانی *akros* به معنای خارجی، ظاهری و کناری و *onim* به معنای نام. کلیه اسامی جغرافیایی را می‌گویند که به صورت مخفف یا اختصاری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مانند UK, USA.

Allonym:

متشکل از واژه یونانی *allos* به معنای سایر و غیر و *onim* به معنای نام. اشکال گوناگون و مختلف یک نام که به صورت رسمی یا غیررسمی به کار می‌روند.

Alternative hydronym:

آبنام مترادف

Anthrohydronym:

آبنام‌هایی که از نام خانوادگی به وجود آید.

Anthroponymic hydronym:

آبنام‌هایی که از اسم اشخاص به وجود آید.

Anthroponym:

اسامی خاص انسان

Anthroponymy:

شاخه علمی که در مورد اسامی خاص انسان تحقیق می‌کند.

Anthropoikonym:

اسامی نقاط مسکونی که از اسامی خاص انسان به وجود آمده است.

Anthropotoponym:

اسامی جغرافیایی که از اسامی خاص انسان به وجود آمده است.

Anthropotoponymy:

علمی که اسامی جغرافیایی برگرفته از اسامی خاص انسان بررسی می‌کند.

Approved name:

نام تأیید شده یا رسمی

Apron:

شیب آرام در لایه‌های کف دریا

Archipelagic apron:

شیب آرام کف دریا با سطح ملایم که معمولاً در اطراف جزایر واقع است.

Astiohydronym:

از واژه یونانی *aste* به معنای شهر و شهری. آب‌نام‌هایی که از اسامی شهرها ساخته شوند. مانند سد کرج، سد دزفول.

Astionym:

از واژه یونانی *aste* به معنای شهر و شهری و *onim* به معنای نام. اسامی شهرها

Astionymy:

شاخه علمی که اسامی شهرها را بررسی می‌کند.

Astronym

از واژه یونانی *astur* به معنای ستاره و *onim* به معنای نام. اسامی اجرام سماوی، ستارگان، کهکشان، شهاب و ...

Astronymy:

علمی که اسامی اجرام سماوی را بررسی می‌کند.

Astrotoponym:

اسامی جغرافیایی که از اسامی اجرام سماوی به وجود آمده است. منطقه کم عمق ساحل و مناسب برای کشتیرانی

Basin:

گودال یا فرورفتگی در کف دریا

Bationym:

از واژه یونانی *baty* به معنای عمق و *onim* به معنای نام. اسامی عوارض و پستی بلندی‌های زیر آب.

Bionym:

از واژه یونانی *bios* به معنای زندگی و زیست و *onim* به معنای نام. اسامی خاص موجودات زنده مثل انسان، حیوان و گیاهان

Choronym:

اسم محلی یک عارضه جغرافیایی

Composite name:

اسم مرکب که چسبیده نوشته شود و یک جزء آن اصطلاح جغرافیایی باشد؛ مانند سفیدرود، زاینده‌رود.

Compound name:

اسم مرکب که چسبیده نوشته شود.

Comonym:

از واژه یونانی *comon* به معنای روستا و ده و *onim* به معنای نام. اسامی روستاها، قصبه و دهات

Comonymy:

بررسی اسامی دهات و روستاها

Comparative toponymy:

بررسی مقایسه‌ای اسامی جغرافیایی

Component of name:

اجزای مختلف اسم

Conventionl name:

اسامی خارجی رایج در یک منطقه

Cosmonym:

از واژه یونانی *kosmos* به معنای آسمان و فضا و *onim* به معنای نام. نام اجرام فضایی

Cosmohydronym:

آبنام‌هایی که از نام اجرام سماوی گرفته شده است.

Cosmotoponym:

اسامی جغرافیایی که از نام اجرام فضایی ساخته شده است.

Creonym:

اسامی که از چند زبان مختلف ساخته شده است.

Cultural feature:

عارضه جغرافیایی با کاربرد فرهنگی مثل آثار باستانی و قدیمی

Dam's name:

نام سدها، سدنام‌ها

Drimonym:

از واژه یونانی *drimos* به معنای بیشه، بیشه زار و *onim* به معنای نام. اسامی مناطق جنگلی و بیشه‌زارها

Drimohydronym:

آبنام‌هایی که از اسامی بیشه‌زارها درست شده است.

Dromonym:

از واژه یونانی *dromos* به معنای راه و *onim* به معنای نام. اسامی راه‌های زمینی، هوایی و دریایی.

Eclesionym:

از واژه یونانی *ekklysi* به معنای مکان همایش و *onim* به معنای نام. اسامی مکان‌های عمومی یا مقدس مثل مسجد و کلیسا

Ellipsisonym:

اسامی که اصطلاحات جغرافیایی از آنها حذف شده باشد.

Elonym:

اسامی مرداب و باتلاق‌ها را گویند.

Endohydronym:

آبنام به زبان‌های رایج یک منطقه.

Endonym:

اسامی بومی و محلی، اسامی متعلق به زبان رایج آن منطقه

Epexegetic:

نامی که مردم به یک عارضه می‌دهند (نوعی صفت اضافه) و اطلاعات بیشتری را به آن اضافه می‌کند.

Eponym:

منشعب از واژه‌یونانی eponymos به معنای نامگذاری. اسامی که از نام اشخاص، افراد به وجود آید. یادنام

Epotoponym:

توپونیم یادمان. اسامی جغرافیایی که از اسم عام به وجود آید.

Ethnohydronym:

آبنام‌هایی که از نام طوایف و قبایل تشکیل شده است.

Ethnonym:

اسامی طوایف و قبایل

Ethnotoponym:

اسامی جغرافیایی که از نام طوایف درست شود.

Etionym:

شکل و مفهوم قدیمی اسامی

Etymology:

علم ریشه‌یابی اسامی

Exonym:

متشکل از واژه یونانی *ekzo* به معنای راه و *onim* به معنای نام. اسامی رایج در یک منطقه که به زبان رایج همان منطقه مربوط نباشد

Exohydronym:

اسامی موردهای آبی که خارج از حدود جغرافیایی آن زبان به کار می‌روند.

Exteraterrestrial features:

عوارض غیرزمینی

Exteraterrestrial name:

اسامی غیرزمینی

Feature class:

نوع عارضه

Frequency:

تعداد دفعات استفاده از یک نام، اصطلاح جغرافیایی و هیدروجغرافیایی مانند شور که ۷۹ بار آمده است.

Gazetteer:

نامنامه رسمی

Gazetteer of Hydronyms:

آبنامه، فهرست رسمی آبنام‌های یک منطقه یا یک کشور

General toponymy:

توپونیمی عمومی، شاخه‌ای که قوانین عام را بررسی می‌کند.

Generic element:

بخشی از توپونیم که اصطلاح جغرافیایی را نشان می‌دهد.

GeoName:

مخفف اسم جغرافیایی

Geographical feature:

عارضه جغرافیایی

Geographical name:

نام جغرافیایی

Granted Hydronym:

آبنام‌های عاریه شده از یک توپونیم یا نام دیگر مربوط به منطقه‌ای دیگر

Historical name:

اسم تاریخی یا قدیمی عارضه

Hodonym:

راه نام، اسامی گذرگاههای درون شهری

Homonym:

اسامی جغرافیایی مشابه مانند هراز (کوه، رود و جاده)

Homohydronym:

آبنام مشابه مانند سدکرج و رود کرج

Hydrogeographical Formant:

بخشی از آبنام که به عنوان اصطلاح هیدروجغرافیایی به کار می‌رود.

Hydronymical Topoform:

اصطلاح هیدرونیمی که نوع آبنام را معین می‌کند؛ مانند سد، رود، چشمه که به اسم می‌چسبند.

Hydronymic feature:

عوارض آبی

Hydronymist:

کسی که به صورت حرفه‌ای درباره آبنام‌ها تحقیق کند.

Hydronymy:

علمی که موضوع آن آبنام است.

Hydrohydronym:

آبنامی که از یک آبنام دیگر به وجود آید.

Hydronym:

آبنام، اسامی موردهای آبی را گویند.

Hydro - object:

هر نوع موردآبی طبیعی یا مصنوع دست بشر را گویند.

Hyphenation:

استفاده از علامت تیره در اسامی مرکب

Limnonym:

از واژه یونانی *limno* به معنای دریاچه و *onim* نام. اسامی دریاچه، نهر، برکه و تالاب را گویند.

Linguistic Frequency:

استفاده مکرر زبانی یا دفعات استفاده از یک زبان در نامگذاری

Litonym:

از واژه یونانی *litus* به معنای ساحل و *onim* نام. نام عوارض زمین مانند دلتا، خلیج، دماغه و... در ساحل

Local name:

اسم بومی، اسم محلی

Long form:

شکل کامل یا اختصار نشده عارضه

Lunar name:

اسم مربوط به قمر یا کره ماه

Microhydronym:

آبنام‌های حجیم و بزرگ

Man-made feature:

عارضه ساخت دست بشر

Maritime name:

نام دریایی یا مربوط به دریا

Memohydronym:

آبنام‌های یادآور شخصیت‌های معروف

Mesohydronym:

آبنام‌های متعلق به قرون میانه

Minority name:

اسم به زبان‌های اقلیت

Microhydronym:

آبنام‌های کم حجم یا کوچک

Multilingual gazetteer:

نامنامه چندزبانه

Multiscriptual map:

نقشه چند خطه یا نوشتار مختلف

Mythohydronym:

آبنام‌هایی که از نام اساطیر به وجود آمده‌اند.

Mythonym:

متشکل از واژه یونانی *mufes* به معنای افسانه و *onim* نام اساطیر و افسانه‌ها

Mythotoponym:

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام اساطیر

Name's card:

کارت ثبت اسامی جغرافیایی

Name's classification:

دسته‌بندی اسامی

Name's trnasformation:

تبدیل اسامی در آوانویسی

Natural feature:

عارضه طبیعی یا موجود در طبیعت

Nekronym:

اسامی گورستان‌ها و مزارها

Neohydronym:

آبنام جدید

Neotoponym:

اسامی جغرافیایی جدید

Nomenclature:

اصطلاحات جغرافیایی موجود در اسامی

Nomin:

کلیه کلماتی که به عنوان اسم به کار روند.

Nomination:

نامگذاری جغرافیایی

Oceanonym:

اسامی جغرافیایی موجود در سطح و اعماق اقیانوس‌ها

Odonym:

به hodonym مراجعه شود.

Oikohydronym:

آبنام‌هایی که از اسم مناطق مسکونی گرفته شده باشد.

Onomist:

کسی که در مورد اسامی تحقیق می‌کند.

Oronym:

اسم پستی و بلندی‌ها مثل کوه، دشت، تپه.

Orohydronym:

آبنام‌هایی که از نام پستی و بلندی طبیعی به وجود آمده است.

Pleohydronym:

آبنام‌های قرون اولیه

Passive Hydronym:

آبنام‌های غیرفعال

Pathrohydronym:

آبنام‌هایی که از نام خانوادگی اشخاص گرفته شده باشند.

Pelgonym:

متشکل از واژه یونانی *Pelgos* به معنی دریا و *onim* به معنای نام. اسامی دریاها و بخش‌های آن

Phytohydronym:

آبنام‌هایی که از نام نباتات و گیاهان تشکیل شده باشند.

Physical feature:

عارضه فیزیکی

Place name:

نام مکان

Primary name:

نام اولیه یا قدیمی عارضه که منسوخ باشد.

Proper name:

اسم خاص

Pollionym:

چندنامه، دارای چند اسم

Potamonym:

متشکل از واژه یونانی *Potmos* به معنی رودخانه و *onim* به معنای نام. رودنام، اسامی رودها و رودخانه‌ها

River's name:

اسامی رودها، رودنام‌ها

Romanistion:

لاتین‌نویسی اسامی جغرافیایی

Saddle:

گذرگاه پهن در خط الراس یا میان دو برآمدگی که شبیه زین اسب است.

Seabed features:

عوارض جغرافیایی بستر دریا

Seamount:

برجستگی‌های کله‌قندی در دریا

Seamount chain:

رشته برجستگی‌های کله‌قندی در دریا

Selenonym:

متشکل از واژه یونانی *selono* به معنای ماه و *onim* به معنای نام. اسامی جغرافیایی کره ماه

Semantic classification:

دسته‌بندی اسامی بر مبنای مفهوم آنها

Semasiology:

علمی که مفهوم واژه را بررسی می‌کند.

Shelf :

منطقه‌ای در اطراف قاره‌ها یا جزایر با شیب آرام تا جایی که شیب تند کف اقیانوس شروع می‌شود.

Shelf edge:

خطی که گستره shelf را در اطراف قاره‌ها یا جزایر مشخص می‌کند.

Short form:

شکل اختصار اسامی مثل US

Specific element:

بخشی از اسم که اصطلاح جغرافیایی نیست؛ مانند عباس در بندرعباس.

Speleonym:

متشکل از واژه یونانی *peleon* به معنای غار و *onim* به معنای نام. اسامی عوارض طبیعی زیر و روی زمین مثل غارها

Standardized allonym:

اسامی گوناگون یکسان شده

Standardized endonym:

اسامی محلی یکسان شده

Standardized Hydronyms:

آبنام‌های یکسان شده

Standardized name:

نام یکسان شده به عنوان نام رسمی

Terronym:

متشکل از واژه لاتینی *terra* به معنای زمین و خشکی و *onim* به معنای نام. اسامی جغرافیایی موجود در خشکی‌ها

Topographic feature:

عارضه توپوگرافی

Toponomastic:

بررسی نام‌شناسی اسامی جغرافیایی

Toponymical areal:

جغرافیایی یک توپونیم یا منطقه‌ای که توپونیم در آنجا به کار رفته است.

Toponymic database:

پایگاه اطلاعاتی اسامی جغرافیایی

Toponymic glossary:

واژه‌نامه توپونیمی

Toponymic guideline:

دستورالعمل مربوط به اسامی جغرافیایی

Toponymic index:

فهرست توپونیمی

Toponymic landshaft:

عوارض توپونیمی

Toponym variant:

اسامی متعدد یک عارضه جغرافیایی

Undersea features:

عوارض جغرافیایی بستر دریا

Zoohydronym:

آبنام‌هایی که از اسم جانوران یا حیوانات ایجاد شده باشد.

Zoonym:

اسامی حیوانات

Zootoponym:

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام حیوانات

پیوست‌ها

کتابنامه به زبان فارسی

۱. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۴۷.
۲. ایقانیان، ریاض اله، اطلس هیدرولوژی جنوب البرز، وزارت آب و برق، تهران، ۱۳۴۸.
۳. بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، اقبال، تهران، ۱۳۷۲.
۴. بهنیا، عبدالکریم، قنات سازی و قنات داری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۱.
۵. جعفری، عباس، رودها و رودنامه ایران، گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۶.
۶. جعفری عباس، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران حاوی اسامی کوهها، رودها و عوارض طبیعی، گیتاشناسی، تهران، ۱۳۶۸.
۷. جنیدی، محمد جواد، چشمه‌های معدنی ایران، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز، ۱۳۴۸.
۸. چکنگی، علیرضا، فرهنگنامه تطبیقی نام‌های قدیم و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران و نواحی مجاور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸.

۹. حدود العلم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، طهوری، تهران ۱۳۶۳.
۱۰. حموی، یاقوت، برگزیده مشترک، ترجمه محمد پروین گنابادی، ابن سینا، تهران ۱۳۴۷.
۱۱. دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌نگاری عوارض در نقشه‌ها و پایگاه اطلاعات توپوگرافی ملی، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. دشتی‌زاده، رحمت‌آبادی محمد، آبهای زیرزمینی و قنات، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی، شیراز، ۱۳۷۳.
۱۳. راهنمای آوانویسی کلی، گروه کاری آوانگاری نام‌های جغرافیایی، کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۸۳.
۱۴. رفاهی علمداری، فیروز، مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. صفی‌نژاد، جواد، نظام‌های آبیاری سنتی در ایران، تهران، ۱۳۵۹.
۱۶. طاهری ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی گیلان و آذربایجان، توس، تهران، ۱۳۴۷.
۱۷. فرهنگ رودهای ایران، سازمان جغرافیایی کشور، تهران، ۱۳۸۱.
۱۸. قاجار، نادر میرزای، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، به تصحیح محمد مشیری، طهوری، تهران، ۱۳۵۱.
۱۹. گابریل، آلفونس، تحقیقات جغرافیایی ایران، ترجمه خواجه نوری، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۸.
۲۰. مجموعه مقالات نخستین همایش نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران ۱۳۸۰.
۲۱. مدبری، محمد، کوه‌های ایران، مجله چیستا، سال هشتم شماره ۲، آبان ۱۳۶۹، صص ۲۶۹-۲۷۴.

۲۲. مفخم، پایان لطفاله، فرهنگ رودهای ایران، سازمان جغرافیایی کشور، تهران، ۱۳۵۳.

۲۳. مقدسی ابوعبداله محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱.

۲۴. نیکنام، ایوب و فریبرز ذوقی، تبریز درگذر تاریخ- نگاهی به تاریخ آذربایجان، انتشارات یاران، تبریز، ۱۳۷۴.

کتابنامه به سایر زبانها

1. Azərbaycan onomastikası problemlərinə həsr olunmuş II elmi-nəzəri konferansın materiyalları, API, Bakı, 1988.
- 2- De Meynard Barbier, Dictionnire geogrphique, historique et litteraire de l Perse , Paris, 1861.
3. Herodotus, The Histories, Penguin Books, GB, 1973.
4. Kadmon Naftli, Ptoley The First UNGEGN Toponymist, NGEEN Newsletter # 23, NY, 2000
5. Kadmon Naftli, Toponymy The Lores, Laws and Languages of Geogrphic Names, Vant Press Inc, NY, 2001.
6. Michael Witzel, Nepalese Hydronymy, Harvard University, 1991.
7. Nafasov T., Djbarov Kh., Drevni-Iranskiye relikti -gidronymi yuzhnavo Uzbekistan, Turkologiy, ,1992, N.3, p.59.
8. Orel V.E., K voprosu o relikhtakh Iranskoy gidronymy v baseynakh Denepr, Denesatr, yuzh-nvo But/ Linquistic Questions, 1986, N.5
9. Qara Mashadiyev, Zaqafqaziyanin Azərbaycan Toponimləri, Elm, Bakı, 1990.
10. Telegin D.Y., Iranian Hydronyms & archeological Culture in the Easter Ukraine, JIES., V.18.
11. Witzel Michael, Nepalese Hydronomy, Harvard University, 1991.

In chapter six, "Structural content of Hydronyms", we pay a glance at morphological content of Hydronyms

In chapter seven, "Semantic elements of Hydronyms", the names are classified in semantically meanings which are viewed in Hydronyms.

In chapter eight, "Etymology of Hydronyms" we look in the meanings which best clarifies Hydro-nyms in part or in whole.

In chapter nine, "Languages of Hydronyms", we check the languages which are used in contemporary Iran or has been in use many years ago. Listing the Hydronyms we see how many languages or dialects of Persian are used for Hydro nomination.

At the end of this research a glossary of Hydronymic Terms are explained in Persian. Some of the terms here are selected from the "Toponymic glossary" prepared by IHO and UNGNEG publications. As Toponymy is a new scientific field in Iran many terms which are used in this field has no equivalent in Persian and needs to be described.

Firuz Refahi Alamdari

Tehran, 2005

In this book different classification of Iran's Hydronyms based on their linguistic structures and semantic meanings are explained..

Historically, Iran has been homeland for different cultures and languages and we can easily trace the same in between its Hydronyms.

The attempt for clarifying Hydronyms of Iran is the second research of this author. The first one named "Principles of Toponymy and a glance at Toponyms of Iran".It was published with the initiation of "National Committee for Standardization of Geographical Names" which is situated at National Cartographic Center of Iran.

The author as a member to the working group of the this Committee hopes that this study pave the way for linguists, geographers and historians to start and put forward many works in future,

In the first chapter, "introduction to Hydronyms" the general concept of Hydronyms are explained.

In the second, chapter "What is a Hydronym" all geographical features which are related to water or Hydro-objects are described.

In chapter three, "standardization and registration of Hydronyms", are studied. In chapter four,"Hydronyms in History" backgrounds of Hydronyms are viewed. Here the Greeks, Romans, Assyrians, Arabs, Armenians and Persian geographers and scholars and their attempts to describe Iran's plate are surveyed.

In chapter five, "Methods of Collecting and Researching Hydronyms" are explained. The most emphasis has been on diachronic and synchronic collecting of Iran's Hydronyms

Hydronyms of Iran

By

Firuz Refahi Alamdari

Abstract

This book consists of names of all hydro-objects of Iran. Hydronyms of Iran hasn't been an independent subject for any research so far. Even the number of research articles in this respect doesn't exceed the number of fingers of our hands. Therefore, any attempt in this field has its own characteristics and benefits.

*Hydronymy is one of the main subjects of Toponymy. The other fields are **Oykonymy** which studies the names of settling places and **Oronymy** which studies the names of all geographical features.*

This concise study considers to be the first step in study and research on Hydronyms of Iran. Hydronyms of Iran are vastly recalled in old historical and geographical books. Even old scholars as Strabo and Herodotus have mentioned names of rivers, lakes and seas of greater Iran Empire in their books. There have been attempts to explain some of Hydronyms of Iran by Arab, Greek, Roman and Adrian writers as well as Iranians.